



جوامع احکام النجوم

ابوالحسن علی بن زید بیهقی

تصحیح
دکتر رضا فہیمی

جوامع احكام النجوم

دکتر رضا فہیمی



انشارات سخن

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : جوامع احکام النجوم / ابوالحسن علی بن زید بیهقی؛ تصحیح
رضا فیهمی
مشخصات نشر : تهران: سخن، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری : ۸۷۲ص:نمونه.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۰-۰۷۹-۲
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه:ص [۷۹۳] - ۷۹۹.
یادداشت : نمایه.
موضوع : اخترگویی - متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع : Astrology – Early works to 20th century
موضوع : نجوم - متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع : Astrology – Early works to 20th century
شناسه افزوده : فیهمی، رضا، ۱۳۵۹ -، مصحح.
رده‌بندی کنگره : BF۱۶۸۸
رده‌بندی دیویی : ۱۳۳/۵
شماره کتابشناسی ملی : ۸۷۰۱۵۰۷



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید نظری، شماره ۴۸

فکس: ۶۶۴۰۵۰۶۲

www.sokhanpub.net

E.mail: Sokhanpub@yahoo.com

Instagram.com/sokhanpublication

Instagram.com/sokhan.novel

Telegram.me/sokhanpub

جوامع احکام النجوم

تصحیح

دکتر رضا فیهمی

چاپ اول: ۱۴۰۱

لیتوگرافی: صدف

چاپ: مهارت

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۶۰-۰۷۹-۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۶۶۹۵۳۸۰۵ و ۶۶۹۵۳۸۰۴

فروش آنلاین و پشتیبانی سایت: ۶۶۹۵۲۹۹۶

به نام خدا

سرآغاز

مهمترین و گرانبها‌ترین میراث فرهنگی و علمی ما با پیشینه‌ای طولانی در قالب نسخه‌های خطی در اختیار ما قرار گرفته است. احیای این میراث گرانبها با شیوه‌های علمی و تصحیح و نشر آنها یکی از مهمترین دغدغه‌های فرهنگی و علمی است و از جمله اصیل‌ترین پژوهش‌های رشته زبان و ادبیات فارسی به شمار می‌رود. برخی از مهمترین دستاوردهای تصحیح متون را می‌توان چنین برشمرد:

۱. احیای میراث فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی؛
۲. برقراری پیوند علمی و فرهنگی این روزگار و دوره‌های پیشین؛
۳. فراهم آوردن مقدمات و شرایط لازم برای سایر تحقیقات در رشته زبان و ادبیات فارسی و علوم اسلامی.

در یک صد سال اخیر تصحیح به عنوان یکی از شاخه‌های مهم تحقیقی رواج و رونق گرفت و از این طریق متون بسیاری احیا شد. افزون بر آن با ارتقا و پیشرفت امکانات سخت و نرم‌افزاری در زمینه نگهداری و بازیابی نسخه‌های خطی، ابزار تصحیح متن و نسخه‌پژوهی بیش از هر زمان دیگری راه را برای تحقیق در این حوزه هموار ساخت. به رغم این کوشش‌ها و این امکانات، کاستی‌های مهمی نیز در حوزه نسخه‌پژوهی و تصحیح متن وجود دارد:

۱. نبود مبانی نظری دقیق و عمیق در باب تصحیح متن؛
۲. بی‌توجهی به احیای متون در شاخه‌های مختلف علمی؛
۳. نبود شیوه‌نامه جامع برای تصحیح متن به صورت مضبوط و روشمند؛
۴. نبود مطالعات هدفمند و برنامه‌محور در حوزه نسخه‌پژوهی و غفلت از امکانات متنوع سخت و نرم‌افزاری در این زمینه.

اهمیت و ضرورت نسخه‌پژوهی و تصحیح متن با توجه به اقتضائاتی که در این روزگار وجود دارد از یک سو و کاستی‌های مذکور از دیگر سو ضرورت تشکیل و تأسیس مرکزی دانشگاهی را در این حوزه بیش از پیش آشکار ساخت. در سال ۱۳۹۱ «مرکز پژوهشی نسخه‌پژوهی و تصحیح متن دانشگاه اصفهان» با هدف رفع این کاستی‌ها و نسخه‌پژوهی و تصحیح متن بر اساس مبانی علمی به صورت روشمند و بهره‌گیری از مطالعات میان رشته‌ای راه‌اندازی شد.

کارگروه‌های مختلف این مرکز پژوهشی در حوزه‌های متون ادبی، آثار عرفانی، متون علمی از جمله: دستور زبان، نجوم، طب، داروشناسی و گیاه‌شناسی، علوم بلاغی و ... و مطالعات بنیادی نسخه‌پژوهی کوشش‌های فراوانی را برای فراهم آوردن زیرساخت‌های سخت و نرم‌افزاری و به ثمر رسیدن اهداف پژوهشی مرکز در زمینه نسخه‌پژوهی و تصحیح متن انجام داده‌اند. حاصل این کوشش‌ها مجموعه آثاری است که در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه در اختیار جامعه علمی کشور قرار می‌گیرد.

بر اساس برنامه‌های پیش‌بینی شده قرار است این شاء الله منشورات این مرکز در سه مجموعه بدین شرح انتشار یابد:

۱. منظومه‌ها و دیوان‌های شعر

۲. متون منثور ادبی

۳. متون علمی

دومین اثر از مجموعه متون علمی، جوامع احکام النجوم است که به کوشش آقای دکتر رضا فهیمی تصحیح شده و با مقدمه و فهرس به همت انتشارات سخن انتشار می‌یابد.

مدیر مرکز نسخه‌پژوهی و تصحیح متن دانشگاه اصفهان

سید علی اصغر میرباقری فرد

مرداد ماه ۱۴۰۰ - اصفهان

پیشگفتار

سعد و نحس دهر بیدل کی دهد تشویش ما
همچو طفلان کار ما با شنبه و آدینه نیست
بیدل دهلوی

همه ادب‌پژوهان و ادب‌دوستان واقفند که مطالعه و تحقیق در ادب فارسی بویژه آثار کهن ادبی به مقدمات ضروری نیاز دارد که آشنایی با علوم مختلفی همچون نجوم، طب، جغرافیا، تاریخ، فلسفه، منطق، کلام و نیز شناخت اعتقادات، فرهنگ و آداب و رسوم گذشتگان جزو این ضروریات است. برای فهم اشعار شاعرانی همچون فردوسی، انوری، خاقانی، نظامی، حافظ و بسیاری دیگر از شاعران ادب فارسی که عمق فرهنگی شعرشان فراوان است، آشنایی هرچند مختصر با این علوم لازم است؛ به عنوان مثال شناخت اصطلاحات نجومی همچون منازل قمر، استقبال، اجتماع، هبوط، وبال، شرف، اوج، اعتدال، هیلاج، کدخدا، تربیع، تلیث و... در شعر شاعران فارسی زبان، و آشنایی با باورهای گذشتگان درباره افلاک و روشنان فلکی مانند تأثیرشان در سرنوشت انسان‌ها و سعد و نحسی آنها در فهم درست متون نظم و نثر یاری می‌رساند. بنابراین نگارنده تصحیح کتاب «جوامع احکام النجوم» ابوالحسن علی بن زید بیهقی را به عنوان رساله دکتری خود در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان برگزید تا در فهم درست متون به واسطه این متن گامی هرچند اندک برداشته باشد.

ابوالحسن علی بن زید بیهقی (۴۹۰-۵۶۵ ه.) در علوم مختلف عصر خود صاحب نظر و دارای تألیفات متعدّد است. متأسفانه بیشتر آثار بیهقی از بین رفته و تنها چند اثر محدود از او باقی مانده است. «جوامع احکام النجوم» اثر چاپ نشده بیهقی است و نسخه‌های متعدّدی از این اثر در ایران وجود دارد که بعضی از این نسخه‌ها مشوّش و پر غلط است. با اینکه دوازده نسخه از این اثر در دسترس مصحح بود، اما به دلیل غلط‌های فراوان در بیشتر

نسخه‌ها و اختلاف زیاد نسخه‌ها با هم، در نهایت برای تصحیح از چهار نسخه استفاده شد که این چهار نسخه از معتبرترین و کامل‌ترین نسخه‌های موجود از این اثرند. قدیم‌ترین و منقح‌ترین نسخه که به عنوان نسخهٔ اساس در نظر گرفته شده متعلق به سال ۸۰۰ هـ. است. پس از آن نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس است که از نظر صحت در جایگاه دوم قرار دارد. دو نسخهٔ دیگر نیز مربوط به کتابخانه ملی ملک است. در تصحیح این اثر وفاداری به نسخهٔ اساس رعایت گردید مگر در مواردی که تقریباً اشتباه بودن نسخهٔ اساس آشکار بود. در بخش مقدمه، سیر کتاب‌های نجومی و مختصری دربارهٔ منجمان پس از اسلام از آغاز تا دوره مؤلف (قرن ششم) بررسی شده و در تعلیقات هم موارد ضروری برای فهم روشن‌تر متن بیان گردیده است.

در تصحیح این اثر از راهنمایی و دقت نظر استادان گرامی‌ام در دانشگاه اصفهان آقایان دکتر حسین آقاحسینی، دکتر محمدرضا نصر اصفهانی و استاد دکترسید مهدی نوریان بهره‌مند بودم که از استادان بزرگوارم سپاسگزارم. از استادم آقای دکتر سید علی‌اصغر میرباقری‌فرد، مدیر محترم قطب علمی تحقیق در متون حکمی و عرفانی دانشگاه اصفهان، که پیشنهاد چاپ این کتاب را دادند و مشوق بنده در چاپ این اثر بودند و با نظرات صائب خود در تنقیح آن کوشیدند سپاس ویژه دارم. از آقای دکتر احسان رئیسی که در پیگیری چاپ این اثر زحمات زیادی کشیدند، صمیمانه تشکر می‌کنم. همچنین صفحه‌آرایی کتاب بر عهده آقای سید مجتبی محمدی بود که از ایشان سپاسگزارم. در پایان از جناب آقای علی‌اصغر علمی، مدیر محترم انتشارات سخن، که مقدمات چاپ این کتاب را فراهم کردند تشکر می‌کنم. امید است که این جهد المقل در پیشگاه ادب دوستان مورد قبول واقع شود و نقص‌ها و کاستی‌ها را بر بنده ببخشایند.

والحمد لله رب العالمین

رضا فهیمی

مهرماه ۱۴۰۰

فهرست مطالب

فهرست تفصیلی.....نه

مقدمه مصحح

۱. علم احکام نجوم.....بیست و سه
۲. شرح احوال ابوالحسن بیهقی.....سی و سه
۳. آثار بیهقی.....سی و هفت
۴. تحلیل محتوایی کتاب.....چهل و سه
۵. ویژگی های سبکی جوامع احکام النجوم.....چهل و شش
۶. چند نمونه از واژگان و اصطلاحات کتاب.....پنجاه و دو
۷. نسخه های کتاب.....پنجاه و سه
۸. شیوه تصحیح.....پنجاه و هفت
۹. پی نوشتها.....شصت و شش

متن جوامع احکام النجوم

مقدمه مؤلف.....۳

فصل اول

در دانستن آنکه مولود از کدام نوع است از انواع حیوانات از آدمی است یا از انواع دیگر.....۱۱

فصل دوم

در احکام مدت مکث جنین در قرار مکین.....۱۹

فصل سیم

اندر آنکه مولود تمام خلقت است یا ناقص خلقت و در دلایل تربیت.....۲۹

فصل چهارم

هیلاج و کدخدایی و قانون عمر.....۵۹

فصل پنجم

در احکام دوازده خانه..... ۷۹

فصل ششم

در احکام بودن کواکب در بیوت و حدود و وجوه مثلثات..... ۳۶۵

فصل هفتم

در احکام سهام..... ۴۸۱

فصل هشتم

در احکام اثنا عشریه و آبار بروج و احکام نظر کواکب به یکدیگر در وقت ولادت و احکام

راس و ذنب..... ۵۱۷

فصل نهم

در احکام تحویل و انتها و صاحب طالع و دلایل دیگر..... ۵۴۵

فصل دهم

اندر احکام سال‌های عالم بر سییل اجمال و احکام قرانات و اختیارات طالع کل و جزوی..... ۶۶۵

تعلیقات..... ۷۴۳

نمایه‌ها

۱. آیات و احادیث..... ۷۶۹

۲. کتاب‌ها..... ۷۷۱

۳. اعلام..... ۷۷۳

۴. مکانها..... ۷۷۵

۵. واژگان دشوار..... ۷۷۷

۶. اصطلاحات نجومی..... ۷۸۳

منابع..... ۷۹۵

فهرست تفصیلی مطالب

مقدمه مصحح

۱. علم احکام نجوم ← بیست و سه، ۱-۱. تاریخچه نجوم و منجمان مسلمان ← بیست و پنج؛
۲. شرح احوال ابوالحسن بیهقی ← سی و سه؛ ۳. آثار بیهقی ← سی و هفت، ۱-۳. آثار منتشر شده ← سی و هفت، ۲-۳. آثاری که به صورت نسخه خطی باقی مانده‌اند ← سی و هشت، ۳-۳. آثار منتسب به بیهقی که نشانی از آنها وجود ندارد ← سی و نه، ۴-۳. جوامع احکام النجوم ← چهل و یک؛ ۴. تحلیل محتوایی کتاب ← چهل و سه؛
۵. ویژگی‌های سبکی جوامع احکام النجوم ← چهل و شش، ۱-۵. فعل ← چهل و هفت، ۲-۵. ضمائر ← چهل و هشت، ۳-۵. دگرگونی‌های حروف ربط و اضافه ← چهل و هشت، ۴-۵. تکرار ← چهل و نه، ۵-۵. تقدیم و تأخیر در اجزای جمله ← پنجاه، ۶-۵. استعمال جمله‌های عربی در ادامه جمله‌های فارسی ← پنجاه، ۷-۵. ویژگی‌های دیگر ← پنجاه؛
۶. چند نمونه از واژگان و اصطلاحات کتاب ← پنجاه و دو؛ ۷. نسخه‌های کتاب ← پنجاه و سه، ۱-۷. مشخصات نسخه اساس ← پنجاه و چهار، ۲-۷. مشخصات نسخه میج ← پنجاه و پنج، ۳-۷. مشخصات نسخه مل ← پنجاه و شش، ۴-۷. مشخصات نسخه مک ← پنجاه و شش؛
۸. شیوه تصحیح ← پنجاه و هفت؛ ۹. پی‌نوشتها ← شصت و شش.

متن جوامع احکام النجوم

مقدمه مؤلف ← ۳

فصل اول

در دانستن آنکه مولود از کدام نوع است از انواع حیوانات از آدمی است یا از انواع دیگر
 ← ۱۱، شناختن صفت مولود و شناختن اینکه مولود مذکر است یا مؤنث ← ۱۵،
 شناختن عدد آنچه حاصل آمده است در وقت ولادت ← ۱۶.

فصل دوم

در احکام مدت مکث جنین در قرار مکین ← ۱۹، فی ایام التریبه من السنین ← ۲۷، در
 شناختن آنکه این مولود از پدر هست یا نه ← ۲۷.

فصل سیم

اندر آنکه مولود تمام خلقت است یا ناقص خلقت و در دلایل تربیت ← ۲۹، شهادات
 ← ۳۱، شهادات ← ۳۲، شهادت اخری ← ۳۴، شهادت اخری ← ۳۵، شهادت اخری
 ← ۳۶، شهادات آخر ← ۳۶، دلایل وجوه و اشکال و الوان مولود ← ۳۷، فصل فی
 دلایل التریبه و جودتها و ردائها ← ۵۰.

فصل چهارم

هیلاج و کدخدایی و قانون عمر ← ۵۹، طریقه اصطفن الاسکندرانی ← ۶۵، طریقه
 دیگر از گفته بابلیان ← ۶۵، فصل ← ۶۶، ایام استخراج هیلاج بر مذهب هرمس و
 بطلمیوس ← ۶۷، استخراج هیلاج به مذهب جمهور ← ۷۰، استخراج قانون عمر بر
 طریق ابن فرخان الطبری ← ۷۱، استخراج قانون عمر بر طریق ذورتیوس مصری ← ۷۱،
 طریق عجم ← ۷۳، استخراج قانون عمر از طریق هستر از اقاویل هند ← ۷۳، قول جنه
 هندی در عمر ← ۷۵، در سرعت و بطی ولادت حمل ← ۷۶، دلایل آفت ولادت و رنج
 آن ← ۷۷.

فصل پنجم

در احکام دوازده خانه خانه اول ← ۷۹، خانه دوم ← ۷۹، خانه سیم ← ۸۰، خانه چهارم
 ← ۸۰، خانه پنجم ← ۸۰، خانه ششم ← ۸۰، خانه هفتم ← ۸۱، خانه هشتم ← ۸۱،
 خانه نهم ← ۸۱، خانه دهم ← ۸۲، خانه یازدهم ← ۸۲، خانه دوازدهم ← ۸۲، تفصیل
 مستولی خانه اول ← ۸۳، دلایل بددلی ← ۸۹، دلیل سبکساری و تیزی ← ۸۹، دلایل
 حلم و بردباری ← ۹۰، دلایل وقاحت مولود ← ۹۱، دلایل خلق نیکو ← ۹۱، دلایل
 دروغ گفتن ← ۹۲، دلایل راست گفتن ← ۹۲، دلایل دین حق داشتن ← ۹۳، دلایل ریا
 و نفاق ← ۹۳، دلایل ورع و صلاح ← ۹۴، دلایل ارباب بدعت و ضلالت ← ۹۴، دلایل
 علم ← ۹۵، دلایل فهم و حدس ← ۹۷، دلایل حفظ و کمال قوت حافظه ← ۹۸، دلایل
 جهل و بلاهت ← ۹۸، دلایل عقل و رای صائب ← ۹۹، دلایل مسخره و طنز و مضحک
 ← ۱۰۰، دلایل امانت و تصون ← ۱۰۰، دلایل اهل خیانت ← ۱۰۱، دلایل راهزنان و
 دزدان ← ۱۰۱، دلایل زنای مردان که او را مشایخی و ابوالحکمی خوانند ← ۱۰۲، دلایل
 فجور و زنای زنان ← ۱۰۲، دلایل لواطه و میل به غلامان امرد ← ۱۰۲، دلایل زنان
 سعتری ← ۱۰۳، دلایل تخنیث و تانیث و مواجران ← ۱۰۴، دلایل پارسایی و
 خویشتن داری ← ۱۰۶، دلایل سخا و جوانمردی ← ۱۰۷، دلایل بخل و امساک ← ۱۰۷،
 دلایل حقد و حسد ← ۱۰۷، دلایل کبر و نخوت ← ۱۰۸، دلایل گشاده رویی ← ۱۰۸،
 دلایل ترش رویی ← ۱۰۸، دلایل نشاط ← ۱۰۹، دلایل کاهلی ← ۱۰۹، دلایل بسیار
 خوردن ← ۱۱۰، دلایل نَمّامی ← ۱۱۰، دلیل در گمان بد ← ۱۱۱، دلایل پاکیزگی ← ۱۱۱،
 دلایل آهستگی ← ۱۱۱، دلایل شتاب زدگی ← ۱۱۱، دلایل کسانی که عمر ایشان از
 صد و بیست درگذرد ← ۱۱۲، دلایل عفت ← ۱۱۴، دلایل عفت فرج ← ۱۱۴، دلایل
 خبیث الفرج ← ۱۱۴، شناختن آنکه مولود به کدام صناعت حاذق تر است ← ۱۱۵، در
 استخراج نام از طالع مولود ← ۱۱۵، حرف برج ها ← ۱۲۲، دلایل موالید پیغمبران و
 اصحاب کرامات علیهم السّلام ← ۱۲۳، دلایل کیمیاگری ← ۱۲۴، دلایل کسانی که در

حال طفولیت حال عجب از ایشان حاصل آمده باشد و ایشان شوم باشند بر اهل بیت
 خویش ← ۱۲۴، احکام از ثوابت سعود و نحوس که بر محاق درجه طالع و عاشر افتد
 ← ۱۲۵، احکام درجات طوالع ← ۱۲۹، دلایل قواطع عمر از کواکب و شعاعات و
 درجات ← ۱۶۳، رسیدن کواکب به مکان یکدیگر ← ۱۷۲، فصل در احکام ثوابت ←
 ۱۷۶، احکام مثلثات طالع و نیر نوبت ← ۱۷۸، احکام موالید ملوک ← ۱۸۰، احکام
 موالید امرا و ولات ← ۱۸۲، احکام موالید سرهنگان ← ۱۸۴، احکام موالید کتّاب ←
 ۱۸۶، احکام موالید و کلا ← ۱۸۸، احکام موالید روسا ← ۱۸۹، احکام موالید ممالیک
 ← ۱۹۰، احکام موالید لقطها ← ۱۹۰، احکام موالید مدابیر ← ۱۹۱، احکام موالید
 سعداء آن جهانی ← ۱۹۲، احکام موالید اشقیاء آن جهانی ← ۱۹۳، حکم خانه دوم ←
 ۱۹۳، موالید توانگران ← ۱۹۴، احکام موالید کسانی که مال طلب کنند و نیابند ← ۱۹۸،
 دلایل کسانی که مال یابند و آنکه بنمانند ← ۲۰۲، در آنکه مال چه وقت یابد ← ۲۰۲،
 دلایل کسانی که از راه ظلم و غضب مال طلب کنند ← ۲۰۳، دلایل کسانی که گنج و
 مال نهانی یابند ← ۲۰۴، دلایل کسانی که از موارث محظوظ باشند ← ۲۰۵، دلایل
 کسانی که از ضیاع و عقار فایده یابند ← ۲۰۶، دلایل کسانی که خان و مان ایشان خراب
 شود ← ۲۰۸، دلایل کسانی که از بنده روزی مند باشند و از آن اقبال مال به دست آرند
 ← ۲۰۸، دلایل نحوست از عیید ← ۲۰۹، دلایل آنکه مال مولود از چه جنس بود ←
 ۲۱۰، دلایل سعادت از ستوران ← ۲۱۰، دلایل تباهی ستوران ← ۲۱۲، دلایل سعادت در
 تجارت ← ۲۱۲، دلایل موالید کسانی که عیش و سط بود ← ۲۱۳، در موالید منحوسان و
 مدبران ← ۲۱۳، در موالید کسانی که ابتدای حال ایشان بد بود پس سعادت یابد ←
 ۲۱۵، دلایل کسانی که از نعمت و تمولّ به ادبار و فاقه افتند ← ۲۱۶، سخنی دیگر در این
 باب موجزتر ← ۲۱۸، حکم برج سوم در شناختن آنکه این مولود اول فرزند پدر و مادر
 است یا نه ← ۲۱۸، در قلّت و کثرت برادران ← ۲۱۹، دلیل در آنکه برادر و خواهر او
 هلاک شوند ← ۲۲۱، در طالع تحویل ← ۲۲۲، در احوال برادران و خواهران ← ۲۲۲،

شناختن شریف و وضع از برادران و خواهران ← ۲۲۴، در شناختن تعدادی و مخالفت
 میان خواهران و برادران ← ۲۲۴، در شناختن سعادت و شقاوت ← ۲۲۵، در شناختن اعداد
 برادران و خواهران مذکر و مونث ← ۲۲۶، در شناختن آنکه بعد از این مولود مادر و پدر
 را دختر باشد یا پسر ← ۲۲۸، در نواذر احکام در برج سوم ← ۲۲۹، خانه چهارم ← ۲۳۰،
 شناختن فرومایگی مادر و پدر ← ۲۳۲، در اختلاف مادر و پدر ← ۲۳۳، شناختن دوستی
 و دشمنی میان مادر و پدر و فرزند ← ۲۳۳، سخن در سعادت فرزند به مادر و پدر ← ۲۳۵،
 شناختن آنکه پدر مولود زنی دیگر کند جز مادر او یا نه ← ۲۳۵، شناختن آنکه فرزند مال پدر
 و مادر تلف کند یا نه ← ۲۳۶، دلایل علل مادر و پدر ← ۲۳۷، در مدت عمر مادر و پدر
 ← ۲۳۸، در اظهار هیلاج و کدخدای عمر پدر و مادر ← ۲۳۹، کدخدا در علم پدر ←
 ۲۳۹، در بودن فرزند مثل پدر یا مخالف ← ۲۴۰، دلیل جدّ و جدّه ← ۲۴۰، دلیل مرگ
 مادر و پدر مولود ← ۲۴۰، دلایل مادر و پدر و خواهران و برادران ← ۲۴۱، در شناختن
 آنکه پدر مولود از پیش بمیرد یا مادر ← ۲۴۲، دلایل شقای مادر و پدر مولود ← ۲۴۳،
 خانه پنجم دلیل بودن فرزند ← ۲۴۴، دلیل بیماری فرزندان ← ۲۴۶، دلایل عقیم و اندک
 فرزند ← ۲۴۷، در معرفت اعداد ولد ← ۲۴۹، در وقت فرزند ← ۲۵۲، دلایل برخورداری
 یافتن از فرزند ← ۲۵۲، در رنج رسیدن مولود از فرزند ← ۲۵۳، دلیل کسی که فرزند
 دیگران پرورد ← ۲۵۴، شناختن آنکه فرزندان مولود قوی حال باشند یا نه ← ۲۵۴، در
 بدبختی فرزندان ← ۲۵۵، در مرگ فرزند ← ۲۵۶، احوال خانه ششم ← ۲۵۷، رنج
 رسیدن از بند گان ← ۲۵۹، اصناف بند گان ← ۲۶۰، سخن در بیماری و عیوب جسد ← ۲۶۰،
 در علل خلل چشم ← ۲۶۰، دلایل یک چشم ← ۲۶۲، دلایل نقطه چشم ← ۲۶۳، دلیل
 احوال ← ۲۶۳، در ضعف بصر ← ۲۶۳، درجات مظلّمه ← ۲۶۴، در خوشی و ناخوشی
 بوی تن ← ۲۶۵، دلایل عیوب و امراض پراکنده ← ۲۶۶، دلیل کری ← ۲۶۸، در خلل
 زبان و آواز ← ۲۶۹، در احذب ← ۲۶۹، دلیل جذام ← ۲۷۰، دلیل برص ← ۲۷۰،
 دلایل جنون ← ۲۷۰، دلایل مفلوجی ← ۲۷۲، ضعف دل و رنج آن ← ۲۷۲، دلایل امراض

جگر ← ۲۷۳، در اوج طحال ← ۲۷۳، دلایل درد ریه ← ۲۷۴، در علت شکم ←
 ۲۷۴، دلایل خصی ← ۲۷۵، دلایل خنثی ← ۲۷۶، در موالید عاقر و عقیم ← ۲۷۶، در
 عضو علت و مرض شناختن ← ۲۷۷، دلایل کسانی که اعضاء ایشان بشکند یا ببرند ←
 ۲۷۷، در شناختن آنکه زمانت در کدام جانب بود ← ۲۷۸، دلایل شناختن اوقات زمانت
 ← ۲۷۹، دلایل کسانی که ایشان کوتاه بالا باشند ← ۲۸۰، دلایل مغتزل ← ۲۸۰، دلایل
 شبق ← ۲۸۱، دلایل علل مقعد ← ۲۸۱، در وجع الامعاء ← ۲۸۲، دلایل علل اسیر ←
 ۲۸۲، دلایل اصلع ← ۲۸۲، دلایل آنکه قدر و ازفز بود ← ۲۸۳، دلایل ضعف بدن ←
 ۲۸۳، دلایل اوجاع قطع المفاصل ← ۲۸۴، دلیل کوسج و اندک موی روی ← ۲۸۴،
 دلیل در زمانت الرّجلین ← ۲۸۴، احکام خانه هفتم دلایل تزویج ← ۲۸۶، در موالید
 کسانی که ازواج ایشان عقیف و حرایر باشد ← ۲۸۷، اندر شناختن آنکه زنی شوهر
 کند از کدام صنف مردم ← ۲۸۹، دلایل کسانی که زنان ایشان پارسا باشند ← ۲۹۰،
 سهم عفاف المرأة ← ۲۹۰، دلایل کسانی که با زنان از طریق نامعهود معاشرت کنند ←
 ۲۹۱، دلایل کسانی از جنس زنان که با مردان گستاخ باشند ← ۲۹۱، در شناختن آنکه
 تزویج مرد و زن در کدام وقت افتد ← ۲۹۲، در شناختن سال تزویج که در جوانی یا
 پیری افتد ← ۲۹۲، دلایل شناختن آنکه زن از پیش میرد یا شوهر ← ۲۹۳، دلایل
 شناختن میان زن و شوهر موافقتی باشد یا نه ← ۲۹۴، در دلایل زنان و شوهران که
 خصومت کنند یا نه ← ۲۹۵، در تزویج زنان ناشایسته ← ۲۹۶، در تزویج پیرزنان زشت
 و نازاینده ← ۲۹۷، در تزویج کنیزکان و کنیزک زادگان ← ۲۹۸، دلایل در آنکه زن
 شوهر را یا شوهر زن را یا پدر فرزند را یا فرزند پدر را دوست دارد یا نه ← ۲۹۹، دلایل
 در میلاد کسی که با محارم خویش مجامعت کند ← ۳۰۰، در موالید کسانی که نکاح
 پنهانی کنند ← ۳۰۲، در سعادت زنان و شادی از قبل ایشان ← ۳۰۲، در بدبختی مولود
 به زنان ← ۳۰۴، در مرگ زنان مولود ← ۳۰۵، در عدد زنان ← ۳۰۶، دلیل خانه هشتم
 ← ۳۰۶، دلایل کسانی که مرگ ایشان به سبب درد شکم بود ← ۳۰۷، در آنکه مرگ او

بد بود ← ۳۰۷، در مرگ فجا ← ۳۰۸، دلیل کسانی که در آب غرقه شوند ← ۳۰۹،
 دلایل کسانی که به آتش بسوزند ← ۳۰۹، دلایل کسانی که از بالایی بیفتند ← ۳۱۰،
 دلایل کسانی که از آبله بمیرند ← ۳۱۱، مولود کسانی که ایشان رازهر دهند ← ۳۱۲،
 دلایل کسانی که ایشان را سباع بخورد ← ۳۱۲، دلایل کسانی که از بسیار خوردن خمر
 بمیرند ← ۳۱۲، دلایل آنکه او را بر دار کنند یا گردنش بزنند ← ۳۱۳، دلایل کسانی که
 خویشتن را بکشند بر دست خویشتن ← ۳۱۴، دلایل قتل به اسباب زنان ← ۳۱۵، دلایل
 کسانی که مرگ ایشان نهانی بود ← ۳۱۶، دلایل کسانی که در وطن خویش میرند ←
 ۳۱۶، دلایل کسانی که در غربت میرند ← ۳۱۶، در اوقات مرگ ← ۳۱۷، حکم خانه
 نهم ← ۳۱۸، دلیل کسانی که سفر کنند و باز به خانه نرسند ← ۳۱۹، سخن در آنکه
 سفر کند و باز آید ← ۳۲۰، دلایل کسانی که سفر ایشان رازیان دارد ← ۳۲۰، دلایل
 آنکه مولود سفر از کدام جانب کند ← ۳۲۲، شناختن تا کدام جهت موافق تر بود مولود
 را در سفر ← ۳۲۳، دلایل دین نیکو ← ۳۲۳، دلیل اعتقاد بد ← ۳۲۵، دلایل کسی که از
 مذهبی به مذهبی انتقال کند ← ۳۲۶، دلایل کسانی که خواب نیکو بیند و خواب بد ←
 ۳۲۶، دلایل شناختن کسانی که از علم منفعت و عزت یابند ← ۳۲۷، احکام خانه دهم
 ← ۳۲۷، در شناختن مدت ولایت ← ۳۲۸، دلایل پیکان و مسافران ← ۳۲۹، در خمّاران
 و خلّالان ← ۳۳۰، دلایل قرّاد ← ۳۳۰، دلایل کَنّاسان ← ۳۳۰، دلایل کسانی که نی
 فروشند و تیر تراشند ← ۳۳۱، دلایل تمّار و عواید از شهد و شیر و شیرینی فروختن ←
 ۳۳۱، دلایل نرّادان ← ۳۳۲، دلایل قَصّابان ← ۳۳۲، دلایل فَصّادان ← ۳۳۳، دلایل
 خبّازان و طبّاخان ← ۳۳۳، دلایل صیرفیان ← ۳۳۳، در آبگینه گران ← ۳۳۵، سفال فروشان
 و فخّاران ← ۳۳۵، دلیل گلخن تابان ← ۳۳۵، دلیل صیّادان ماهی ← ۳۳۶، در مرغ فروشان
 ← ۳۳۶، در نخّاسان ستوران از ستوران و شتران و گوسفندان ← ۳۳۷، نخّاسی بندگان
 ← ۳۳۸، دلایل دَبّاغان و پوست فروشان ← ۳۳۸، دلیل وراقان و صحّافان ← ۳۳۹، در
 حنّاطان و آردفروشان ← ۳۳۹، در گلیم و صوف فروشان و پلاس و نمند ← ۳۴۰، در

بزّازان ← ۳۴۱، در دهقانان و برزیگران ← ۳۴۲، در ریحان فروشان ← ۳۴۲، دلایل تره
 فروشان ← ۳۴۳، دلایل میوه فروشان ← ۳۴۳، دلایل بیلوران ← ۳۴۳، دلایل عطاران
 ← ۳۴۴، دلایل رسن تابان ← ۳۴۴، دلایل صیّادان ← ۳۴۵، دلایل اطّبا ← ۳۴۵، دلایل
 بازیگران و رسن بازان ← ۳۴۶، دلایل آهنگران ← ۳۴۶، دلایل کشتی بانان ← ۳۴۷،
 دلایل نقّاطان ← ۳۴۷، دلایل کاریز کنان ← ۳۴۷، دلایل رنگرزان ← ۳۴۸، دلایل
 نقّاشان ← ۳۴۸، دلایل خرّازان و کفشگران ← ۳۴۹، دلایل درودگران ← ۳۴۹، دلایل
 جولاهان ← ۳۵۰، دلایل درزیان ← ۳۵۰، خانه یازدهم ← ۳۵۱، دلایل آنکه تا دوستان
 از کدام صنف باشند ← ۳۵۱، دلایل آنکه دوستی اولشان بود و آخر دشمنی بود و
 دشمنی که اول بود آنکه با دوستی شود ← ۳۵۲، دلایل دوستی با بزرگان ← ۳۵۳،
 دلایل دو کس که میان ایشان دوستی بود ← ۳۵۴، دلایل کسانی که مولود با ایشان
 دوستی کند ← ۳۵۵، دلایل آنکه مولود با دوست چگونه زندگانی کند ← ۳۵۵، در
 فساد و تلوّن به مودّت ← ۳۵۶، دلایل کسانی که از دوستان رنج بینند ← ۳۵۷، حکم
 خانه دوازدهم ← ۳۵۷، دلایل آنکه با دوست دشمن و با دشمن دوست کی شود ←
 ۳۵۹، دلیل کسانی که با یکدیگر دشمن باشند ← ۳۶۰، در شناختن آنکه دشمنان مولود
 از کدام صنف باشند ← ۳۶۰، دلایل کسانی که بر اعدا ظفر یابند ← ۳۶۱، دلایل ستور
 زینت چون اسب و اشتر و خر ← ۳۶۲

فصل ششم

در احکام بودن کواکب در بیوت و حدود و وجوه مثلثات گفتار کواکب در بیوت و
 حدود از گفتار حجازی ← ۳۶۵، احکام کواکب در حدود از گفتار حجازی ← ۳۷۱،
 در احکام ساعات ولادت از آیام هفته از گفتار حجازی ← ۳۷۵، در احکام بودن ثوابت
 بر حد طالع از گفتار حجازی ← ۳۷۶، در احکام کواکب اثنی عشر در خانه‌ها از گفتار
 افلاطون ← ۳۷۷، احکام بودن کواکب در حدود به مذهب رومیان و کلدانیان ← ۳۸۶،
 دلایل حدود از گفتار بابلیان ← ۳۹۲، سخن در حدود از گفتار ثوفیل ← ۴۰۰، دلایل

احکام بودن کواکب در بیوت خود و غیره ← ۴۰۳، دلایل احکام بودن کواکب در خانه‌ها از قول قدما ← ۴۱۰، دلایل کواکب در خانه‌های طالع به تسویت از گفتار هند ← ۴۱۸، دلایل بودن خداوندان خانه‌ها در خانه‌ها از مقاله ماشاالله ← ۴۲۱، دلایل بودن احکام قمر در منازل ← ۴۳۰، احکام بودن کواکب در وجوه از گفتار تنکلوشا، بابلی ← ۴۳۲، فصل بودن کواکب در وبال خویش ← ۴۷۹

فصل هفتم

در احکام سهام ← ۴۸۱، سهم الغیب ← ۴۸۳، سهم المال ← ۴۸۵، سهم الاخوة ← ۴۸۶، سهم الاب ← ۴۸۷، سهم الام ← ۴۸۸، سهم الولد ← ۴۸۸، سهم المرض ← ۴۹۰، سهم التزویج ← ۴۹۰، سهم الموت ← ۴۹۱، سهم السفر ← ۴۹۲، سهم السلطان والعمل ← ۴۹۲، سهم الاصدقاء ← ۴۹۳، سهم الاعداء ← ۴۹۳، سهم الاب ← ۴۹۴، فصل، در احکام سهام دیگر ← ۴۹۵، سهم النطق والعقل ← ۴۹۷، سهم المال، ۴۹۷، سهم القرض ← ۴۹۸، سهم اللقطه ← ۴۹۸، سهم الاخوة ← ۴۹۸، سهم الموت ← ۴۹۹، سهم الاجداد ← ۴۹۹، سهم الاصل والحسب ← ۴۹۹، سهم العقارات والضیاع ← ۴۹۹، سهم الفلاحة ← ۵۰۰، سهم عواقب الامور ← ۵۰۰، سهم الولد ← ۵۰۰، سهم وقت الولد ← ۵۰۱، سهم آنکه بداند کودک در شکم نراست یا ماده ← ۵۰۱، سهم المرض ← ۵۰۲، سهم العیید ← ۵۰۲، سهم الاساری ← ۵۰۲، سهم تزویج النساء ← ۵۰۲، سهم تزویج الرجال ← ۵۰۲، سهم المکر وخداع النساء ← ۵۰۳، سهم الفجور ← ۵۰۳، سهم عفاف المرأة ← ۵۰۳، سهم وقت التزویج ← ۵۰۴، سهم حيلة التزویج ← ۵۰۴، سهم الاحباء ← ۵۰۴، سهم الخصومات ← ۵۰۴، سهم الموت ← ۵۰۴، سهم کواکب القتال ← ۵۰۴، سهم السیئة المخوفة ← ۵۰۵، سهم الموضع الثقل ← ۵۰۵، سهم الورطة والشدة ← ۵۰۶، سهم السفر فی الماء ← ۵۰۶، سهم الورع ← ۵۰۶، سهم العقل وبعد الغور ← ۵۰۶، سهم العمل والحکم ← ۵۰۷، سهم معرفة اخبار الناس ← ۵۰۷، سهم الخبر آحق هو أم باطل ← ۵۰۷، سهم الشرف ← ۵۰۸، سهم الملك والسلطان ← ۵۰۸، سهم المدبرین و

الوزراء والسلاطين ← ٥٠٨، سهم السلطان والنصرة والغلبة ← ٥٠٨، سهم الدين والورع
 ← ٥٠٩، سهم السعادة والمعروفين في الناس ← ٥٠٩، سهم الجند والشرطة ← ٥٠٩، سهم
 السلطان و اى عمل يعمل المولود، ٥٠٩، سهم العمل بايديهم والتجارات ← ٥١٠، سهم
 التجارات والشري والبيع ← ٥١٠، سهم العمل الذى لا بد من معالجته ← ٥١٠، سهم الام
 ياد كرده آمد ← ٥١٠، سهم المحبة في الناس ← ٥١١، سهم المعروف في الناس ← ٥١١،
 سهم النجح ← ٥١١، سهم الشهوات والحرص على الدنيا ومتاعها ← ٥١١، سهم
 الاصدقاء ← ٥١١، سهم الارزاء ← ٥١٢، سهم الاضرار ← ٥١٢، سهم الخصب وكثرة
 الخير في المنزل ← ٥١٢، سهم حرية النفس ← ٥١٢، سهم المحمود والممدوح ← ٥١٣،
 سهم الاعداء ← ٥١٣، سهم الشقاء ← ٥١٣، سهم الهيلاج ← ٥١٣، سهم منهوكي
 الاجساد ← ٥١٤، سهم الفروسية والشجاعة ← ٥١٤، سهم الجراة والشدة ← ٥١٤،
 سهم المكر والخداع ← ٥١٤، سهم موضع الحاجة ← ٥١٥، سهم الضرورة وتأخر
 الحوايج ← ٥١٥، سهم الجزاء ← ٥١٥، سهم عمل الحق ← ٥١٥

فصل هشتم

در احكام اثنا عشرية و آبار بروج و احكام نظر كواكب به يكديگر در وقت ولادت و
 احكام راس و ذنب ← ٥١٧، در احكام بودن كواكب در آبار ← ٥١٩، در احكام راس و
 ذنب ← ٥٢١، فصل در احكام قرانات كواكب و طالع مواليد ← ٥٢٢، تثليث كواكب
 ← ٥٢٧، بودن مريخ بر تثليث كواكب ← ٥٣٠، آفتاب بر تثليث كواكب ← ٥٣١، در
 ترييع كواكب ← ٥٣١، مشتري به ترييع كواكب ← ٥٣٣، زحل در مقابل كواكب ← ٥٣٦،
 مشتري در مقابل كواكب ← ٥٣٨، مريخ به مقابل كواكب ← ٥٣٩، دليل بودن كواكب
 در اوتاد و مايل الاوتاد ← ٥٤٠، قران كواكب در طالع ← ٥٤٤

فصل نهم

در احكام تحويل و انتها و صاحب طالع و دلايل ديگر ← ٥٤٥، دوم احكام بودن كواكب
 در آبار به وقت تحويل ← ٥٤٧، سيم در احكام بودن كواكب به وقت تحويل در حدود

یکدیگر ← ۵۴۹، احکام کواکب در خانه‌های یکدیگر ← ۵۵۲، بودن تحویل و انتها
 خانه خانه‌های اصل و کوکی در وی ← ۵۵۶، حکم بودن طالع تحویل و برج انتها به
 بیوت اصل ← ۵۶۳، فرداریات کواکب ← ۵۶۴، حکم اتصالات ← ۵۶۸، در احکام
 قواسم و شرکاء ← ۵۷۰، فصل در نظر کواکب به مواضع اصل ← ۵۷۳، فصل ادلات
 اتصالات و مزاجات کواکب که در تحویل سال حکم خواهد کرد ← ۵۷۴، فصل ادلات
 سال خدای که نیک حال باشند یا بد حال، منفرد و بر نظر ستارگان و دلیل بودن در
 خانه‌های دیگر ← ۵۷۶، سردهم در احکام گشتن ستارگان جوزهر در دوازده خانه ← ۵۹۳،
 در احکام گشتن کواکب در خانه‌ها از قول هندوان ← ۶۱۴، احکام گشتن ستارگان در
 دوازده خانه ← ۶۲۲، فصل فی احکام مریخ ← ۶۳۰، فصل فی احکام الشمس ← ۶۳۳،
 فصل در بودن زهره در طالع ← ۶۳۷، فصل در احکام عطارد در طالع ← ۶۴۰، فصل در
 احکام قمر در طالع ← ۶۴۳، فصل در نکات و شرایط تسیر ← ۶۴۵، طالع اصل ← ۶۴۶،
 بیت المال ← ۶۴۷، خانه سیم ← ۶۴۷، خانه چهارم ← ۶۴۸، خانه پنجم ← ۶۴۹، خانه
 ششم ← ۶۴۹، خانه هفتم ← ۶۵۰، خانه هشتم ← ۶۵۱، خانه نهم ← ۶۵۲، خانه دهم
 ← ۶۵۳، خانه یازدهم ← ۶۵۳، خانه دوازدهم ← ۶۵۴، فصل در اتصال ادلاء و انصراف
 ایشان از دلایل اصل و تحویل و انتها ← ۶۵۵، انصراف ← ۶۵۶، اتصال ارباب بیوت با
 ارباب ادلای اتصالی ← ۶۵۷، فصل رسیدن کواکب به موضع اصل و مواضع دیگر
 کواکب ← ۶۵۸

فصل دهم

اندر احکام سال‌های عالم بر سبیل اجمال و احکام قرانات و اختیارات طالع کلی و جزوی
 ← ۶۶۳، احکام الحوادث ← ۶۶۸، فصل فی نسبة الاقالیم الی الکواکب ← ۶۷۱، قرانات
 کواکب بر حمل ← ۶۷۱، احکام قران نحسین در سرطان ← ۶۷۳، بعضی حوادث دلالت
 قرانات که به ظهور رسیده ← ۶۷۵، معرفت قران نحسین اندر بروج ← ۶۷۷، فصل
 خصوصیات کواکب در برج ← ۶۸۵، احکام بودن زحل در وقت تحویل به حد و مثلثات

وی ← ۶۸۶، در معرفت سال خداه ← ۶۸۷، المثلثة الهوائیة احکام بودن زحل در وقت
تحويل به جوزا و مثلثات وی ← ۶۸۹، احکام بودن زحل در وقت تحويل در سرطان و
مثلثات وی ← ۶۹۱، اقسام الفلکیة احکام قران نحسین در بیوت طالع سال عالم ← ۶۹۳،
در طالع مسئله ← ۷۰۱، طریقه معرفت مستولی ← ۷۰۱، فصل دانستن نیکی و بدی و
روا گشتن حاجت ← ۷۰۵، فصل در وقت روا گشتن حاجت ← ۷۰۶، فصل در احکام
کسوف ← ۷۰۷، احکام احتراقات کواکب در بروج احتراق زحل در حمل ← ۷۱۰،
احتراق مشتری اندر برج‌ها ← ۷۱۷، احتراق مریخ در حمل ← ۷۲۳، احتراق عطارد در
سرطان ← ۷۳۱، احکام قوس قزح در ماه‌های رومیان ← ۷۳۵

تعلیقات ← ۷۴۳

نمایه‌ها

آیات و احادیث ← ۷۶۹، کتابها ← ۷۷۱، اعلام ← ۷۷۳، مکانها ← ۷۷۵، واژگان
دشوار ← ۷۷۷، اصطلاحات نجومی ← ۷۸۳

منابع ← ۷۹۵

مقدمه مصحح

۱. علم احکام نجوم

علم احکام نجومی یا تنجیم علمی است که از تأثیر افلاک و کواکب بر سرنوشت انسانها سخن می‌گوید و بیانگر اعتقادات و افکار قدما در باب جهان، انسان، سرنوشت و خیر و شر است. این جنبه از علم نجوم یعنی معرفت غیب از راه اطلاع از حرکات و اوقات ستارگان، در اسلام نهی شده است. مولفان کتب احکام نجومی نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند؛ از جمله بیهقی در ابتدای کتاب جوامع احکام النجوم حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نقل می‌کند که در آن از تصدیق منجم و کاهن نهی شده است.

فرق احکام نجومی یا تنجیم با علم نجوم در آن است که در علم نخستین آثار صادره از نجوم و اختران آسمانی در عالم هستی بررسی می‌شود نه ذات و ماهیت آنها. صاحب کتاب یواقیت العلوم نجوم را به سه دسته حسایات، ظنیات و وهمیات تقسیم‌بندی می‌کند و نوع سوم را بی‌پایه و اساس می‌داند و معتقد است که تنها دو قسم اول از نظر شرع مورد تأیید است. وی وهمیات را اینگونه تعریف می‌کند:

«وهمیات چنان باشد که از اتصالات کواکب حکم کنند بر حوادث خیر و شر در عالم بر طریق عموم و بر اشخاص از طریق اختصاص و این قسم بر هیچ اصل استنادی ندارد که اعتماد را بشاید.»^۱

همایی در مقدمه کتاب التفهیم اهمیت علم نجوم و کتب نجومی را از چند جهت بیان کرده است: این کتاب‌ها مشتمل بر میتولوژی و افسانه‌های قدیم و ارباب انواع و عقاید ملل مشرق است.^۲ تعاریف و دسته‌بندی‌هایی که از علم نجوم بویژه در بین متقدمین انجام شده، متفاوت است و گاه در کتاب‌های حکمت و کلام به این موضوع پرداخته شده است که از جمله آنها می‌توان به کتب زیر اشاره کرد:

عیون المسائل تألیف ابونصر فارابی، رسائل اخوان الصفا، اشارات و تنبیهات ابن سینا، تهافت الفلاسفه محمد غزالی، ما بعد الطبیعه ابن رشد اندلسی، تفسیر فخر رازی، المواقف عضدالدین ایجی، طوابع الانوار من مطالع الانظار قاضی بیضاوی.

ابن سینا احکام نجومی را از فروع حکمت طبیعی دانسته و علم هیئت را از اصول حکمت ریاضی و این دو را یکی نمی‌داند، اما اصحاب علم نجوم این جدایی را نپذیرفته و بر مذهب بطلمیوس اتفاق کرده‌اند. او در آغاز کتابش موسوم به مقالات چهارگانه علم نجوم را شامل دو بخش دانسته است: یکی علم هیئت که در آن از اشکال اجرام آسمانی بحث می‌شود و این بخش علم مستقلی است و دیگری احکام نجوم که به علم اول بستگی دارد و مطالعه آن بدون اولی امکان‌پذیر نیست.^۳

احکام نجومی قبل از اسلام در بابل، یونان و روم همراه با علومی همچون سحر و کیمیا تحصیل می‌شده است. در این علم نه تنها اجرام آسمانی بلکه نقاط و نواحی خاص آسمان مانند طالع و بیوت، اوضاع نسبی سیارات سبعة همچون قران و استقبال و مواردی همچون تحویل سال هم اهمیت خاصی دارد. مباحث مورد نظر احکامیان شامل این موارد است: پاسخ دادن به مسائل غیبی همچون اطلاع از شخص غایب، اختیارات در تعیین ساعت مناسب برای انجام کارهای مهم نظیر سفر، جنگ و ازدواج از روی منازل قمر و همچنین پیشگویی حوادث زندگانی شخص یا اوضاع عالم به وسیله زایچه و غیر آن. اگرچه ریشه احکام نجومی بر پایه علم ایرانیان، هندیان، یونانیان، رومیان و سریانی‌هاست ولی مسلمانان - همچون علوم دیگری که از ملت‌های سابق گرفته بودند - خود نیز در آن دخل و تصرف‌های فراوانی کردند.^۴ در قرون سوم تا هفتم کتاب‌های متعددی در زمینه احکام نجومی به زبان فارسی تألیف شده که به جز چند کتاب معدود، بقیه آنها از میان رفته‌اند.

۱-۱. تاریخچه نجوم و منجمان مسلمان

در اواخر روزگار امویان اسلام بر شهرها و سرزمین‌های گسترده‌ای استیلا یافت که از ماوراءالنهر و ترکستان تا مغرب و اندلس را در بر می‌گرفت و مسلمانان از اقوام و نژادهای مختلف، در تألیف و انشاء، زبان عربی را به کار می‌بردند. یگانگی دین، مایه یگانگی و تمدن شد و مردم ایران، عراق، شام و مصر دانش‌های باستانی خویش را در تمدن اسلامی جدید وارد کردند. از نخستین علموی که مسلمانان به آنها توجه کردند، علوم عملی بویژه طب، کیمیا و نجوم بود. آنان احکام نجوم را بر علم هیئت برتری می‌نهادند زیرا مردمان بنابر غریزه می‌خواهند اسرار و غرایب و پیشامدهای آینده را کشف کنند.

پس از زوال دولت امویان و روی کار آمدن بنی عباس، نفوذ علوم و تمدن غیر عرب رو به فزونی نهاد. ابوجعفر منصور، خلیفه دوم عباسی منجمان را به خود نزدیک و در امور مختلف با آنان مشورت می‌کرد؛ مثلاً هنگام بنای شهر بغداد نوبخت منجم و ماشاءالله بن اثری، وقت را اختیار کردند و منجمانی چون ابراهیم بن محمد الفزاری و عمر بن فرخان الطبری حضور داشتند.^۵ در روزگار خلافت منصور، ابویحیی البطریق کتاب الاربع مقالات بطلمیوس را در صناعت احکام نجوم به عربی ترجمه کرد.^۶ نخستین کسی که در اسلام اسطرلاب ساخت و زیج را بر مبنای سال‌های عرب ترتیب داد و در امر زیج به نظم و نثر تألیف دارد ابواسحاق ابراهیم بن حبيب (م ۱۶۱ق) از نوادگان ثمره بن جندب فزاری کوفی، منجم منصور عباسی و صاحب کتاب تسطیح الكرة، است که تمام دانشمندان اسلامی از آن استفاده کرده‌اند. به گفته ابن ندیم، فزاری اولین کسی است که در اسلام اسطرلاب را به صورت‌های مبطن (خربزه‌ای شکل) و مسطح تعبیه کرد. گفتنی است که ابوریحان بیرونی و خواجه نصیرالدین توسی هم هر یک کتابی با عنوان تسطیح الكرة و در همین موضوع دارند. المقیاس للزوال الزیج علی سنی العرب، العمل بالاسطرلاب ذوات الحلق و العمل بالاسطرلاب از دیگر آثار فزاری است.^۷ از دیگر علمای برجسته دوران منصور عباسی که در علم نجوم و ترجمه از هندی به عربی شهرت فراوانی دارد ابو عبدالله محمد بن ابراهیم فزاری

(ت ۱۸۱ق) است. وی کتابی از هندی به عربی ترجمه کرد و خود نیز از روی آن، کتابی استخراج کرد که منجمان آن را سند هند کبیر می‌نامند و محمد بن موسی خوارزمی این کتاب را مختصر نامید و زیج خود را از آن استخراج کرد.^۸ جابر بن حیان (م. بین سال‌های ۱۶۰، ۱۸۰، ۲۰۰) نیز تألیفاتی در رابطه با دانش نجوم و فلکیات دارد که عبارتند از: النور، شرح مجسطی (که به لاتین ترجمه شده است)، الجامع فی الاسطرلاب (مشمول بر هزار و اندی باب) و کتاب الزیج اللطیف.^۹

از دیگر منجمان مشهور منصور عباسی، یعقوب بن طارق (ت ۱۸۸ق) است که از افاضل بزرگان هیأت و نجوم در اسلام به شمار می‌رود. وی در کتاب سند هند یا سرهانت و ارکند مطالعه زیادی کرد و سند هند را به عربی ساده ترجمه کرد. آثار نجومی او عبارتند از: مقالات در موالید خلفا و سلاطین طبقات الامم، تقطیع کردجات الجیب، ما ارتفع من قوس النهار، الزیج محلول فی سند هند لدرجة درجه که شامل دو کتاب است: اولی در علم فلک و دومی در علم الدّول یعنی بحث‌های نجومی.^{۱۰} ابوسهل بن نوبخت (م ۱۹۳ق) از مترجمان کتب فارسی پهلوی به عربی است و ابن ندیم هفت اثر او را نام برده است: کتاب الیهبطان در موالید، کتاب الفال النجومی، کتاب الموالید، کتاب تحویل سنی الموالید، کتاب المدخل، کتاب التشبیه و التمثیل، کتاب المنتخل من اقوال المنجمین.^{۱۱} ابوبکر محمد بن فرخان طبری (م حدود ۲۰۰ق) نیز کتاب‌هایی چون: کتاب الموالید، کتاب عمل بالاسطرلاب، کتاب مسائل، کتاب مدخل، کتاب الاختیارات، کتاب المسائل الصغیر، کتاب تحویل سنی الموالید، کتاب التیسیرات، کتاب المیالات، کتاب تحویل سنی العالم و کتاب التیسیرات فی الموالید را تألیف کرده است.^{۱۲}

در دوره مأمون عباسی نیز علم نجوم و احکام نجومی رونق گرفت و آثار متعددی در این زمینه پدید آمد. یکی از افراد تأثیر گذار در این زمینه یحیی بن ابی منصور (م بین ۲۱۵ تا ۲۱۷ق) منجم برجسته قرن سوم هجری است که ابتدا منجم فضل بن سهل، وزیر مأمون بود و پس از کشته شدن فضل در ۲۰۲ق. منجم دربار مأمون شد و اسلام آورد. حضور او در

دربار مأمون باعث رونق ستاره‌شناسی و منشأ پدید آمدن آثار فراوانی در این زمینه شد. وی آثار متعددی داشته است که مهم‌ترین اثر او یعنی زیج ممتحن را به نام‌های زیج شماسیه و زیج مجرب مأمونی هم معرفی کرده‌اند. یحیی کتابی به نام مقالة فی عمل ارتفاع سدس ساعة لعرض مدینة السلام داشته که باقی نمانده است. کتاب دیگر یحیی الزجوع و الهبوط نام داشته و شهرمدان بن ابی الخیر به آن اشاره کرده است.^{۱۳} دو تن از دیگر دانشمندان نجومی که در روزگار مأمون در زمینه نجوم صاحب تألیف بودند یکی قصرانی (زنده در ۲۰۰ق) صاحب کتاب ترتیب حساب دساتر الکواکب السبعة و کتاب المسایل است و دیگری حسین بن احمد صوفی کرمانی صاحب کتاب الزیج المأمونی که کتاب دیگری به نام جداول تقریبات الميل نیز تألیف کرده است.^{۱۴}

ابراهیم بن صلت که زادگاه و سرگذشت او شناخته شده نیست در سده سوم هجری کتاب‌هایی را از یونانی و سریانی به عربی ترجمه کرده و به عنوان مترجم آثار جالینوس شهرت یافته است. از جمله کتاب‌های او ترجمه کتاب بطلمیوس در ستاره‌شناسی است با عنوان المقالات الاربع یا کتاب الاربعة یا کتاب القضاء علی الحوادث. این کتاب قبل از ابن صلت در اوایل سده دوم قمری توسط ابویحیی البطریق به عربی ترجمه شده و عمر بن فرخان شرحی بر آن نوشته بود. پس از ترجمه ابراهیم بن صلت، حنین بن اسحاق به اصلاح ترجمه وی پرداخت. ابن ندیم علاوه بر ترجمه کتاب، تفسیری از آن را نیز به ابن صلت نسبت می‌دهد.^{۱۵}

ابوالعباس احمد بن محمد بن کثیر فرغانی (م بعد از ۲۲۷ق) از معاصران مأمون کتابی تألیف کرد به نام الحركات السماویة و جوامع علم التجوم که تقویم‌های عرب، سریانی، فارس، روم و قبط را در بر دارد. کتاب دیگر وی المدخل الی علم هیئة الافلاک نام دارد که مشتمل است بر همه کتاب‌های بطلمیوس.^{۱۶} پس از تأسیس بیت الحکمه، محمد بن موسی خوارزمی (م بین ۲۲۰ تا ۲۳۲ق) ریاضیدان، منجم و مؤرخ ایرانی، در آنجا مشغول به کار شد و در نجوم دو تحریر از سند هند فراهم کرد. زیج خوارزمی مانند سایر زیج‌ها علاوه بر جداول نجومی و مثلثاتی مشتمل بر مقدمه‌ای مفصل در علم نجوم است.^{۱۷}

از دیگر منجمان نیمه اول قرن سوم می توان به ابوبکر حسن بن خصیب ایرانی الاصل و صاحب کتاب المدخل الی علم الهيئة و کتاب الموالید بالتنجیم، حسن بن ابراهیم ملقب به ابیح اشاره کرد که کتاب الاختیارات و کتاب الموالید از آثار اوست و کتاب الاختیارات را برای مأمون تدوین کرد؛ ابوعثمان سهل بن بشر (زنده در سال ۲۳۷ق) از منجمان زبده و چیره دست و دارای تألیفاتی چون: کتاب الموالید الکبیر، کتاب الموالید الصغیر، کتاب الاوقات و الاختیارات و کتاب دیگری در فلکیات به نام الهيئة و علم الحساب، و سهل بن محمّد بن عثمان معروف به ابوحاتم سجستانی (م ۲۵۵ق) نجومی، لغوی و مقری ساکن بصره مؤلف کتاب الشمس و القمر در علم نجوم از دیگر منجمان این دوره هستند.^{۱۸}

در این دوره احمد بن عبدالله مروزی بغدادی ملقب به حبش حاسب (م بین ۲۵۰-۲۶۰ق) که در حساب تفسیر کواکب شهرتی فوق العاده داشت، سه زیج تألیف کرد: یکی بنا بر مذهب سند هند که در آن ضمن مخالفت با فزاری و خوارزمی حرکت اقبالی و ادباری فلک البروج را بنا به رای ثاون اسکندرانی تعیین کرد تا مواضع کواکب ثابته را در طول مشخص سازد؛ دوم زیج معروف به زیج ممتحن و سوم زیج صغیر معروف به زیج شاه. حبش تألیفات دیگری نیز دارد از قبیل: عمل بالاسطرلاب، زیج دمشق، زیج مأمونی.^{۱۹}

از پرکارترین نویسندگان این دوره ابویوسف یعقوب کندی (۱۸۵-۲۶۰ق) مشهور به فیلسوف عرب است که در بیشتر رشته های دانش زمان خود چیره دست بود. ابن ندیم تألیفات کندی را ۲۳۸ کتاب و رساله دانسته که از جمله آنها ۱۹ کتاب و رساله در نجوم و اخترشناسی، ۱۶ تألیف در فلک و هیئت، ۸ تألیف در کرویات و ۱۹ رساله در احکام نجوم است.^{۲۰} مشهورترین منجم جهان اسلام در عصر خویش، ابومعشر جعفر بن محمد بن عمر بلخی (م ۱۷۱-۲۷۲ق) است که شهرتش تا قرن ها پس از وی نیز همچنان برقرار بود. یکی از شاگردان وی به نام ابوسعید شاذان بن عمر سخنان ابومعشر را با عنوان اسرار علم النجوم گردآوری کرده است. مهم ترین آثار ابومعشر در نجوم و مباحث نجومی عبارتند از: القرانات که شامل ۸ مقاله است، که برخی آن را به سند بن علی نسبت داده اند، المدخل الکبیر فی

احکام التجوم در ۸ قول که مهم‌ترین اثر به جای مانده از ابومعشر است و در حدود سال ۲۳۵ نوشته شده است و مؤلف در فصل دوم قول اول کوشیده است اعتبار احکام نجوم را به اثبات رساند، کتاب الموالید الصغیر که مشتمل بر ۲ مقاله و ۱۳ فصل است؛ فصل اول آن درباره سحر و احکام نجوم در ادوار مختلف، ۵ فصل بعدی درباره سحر و پیشگویی و ۴ فصل آخر آن درباره موالید است، کتاب الالوف که احمد بن محمد بن عبدالجلیل سجزی بخش‌هایی از آن را با عنوان منتخبات کتاب الالوف در جامع شاهی و بخش دیگر را با عنوان فصل من کتاب الالوف فی اجتماع کواکب السبعة و مبادی التوارخ به صورت مستقل آورده است، اصل الاصول درباره موالید، احکام تحویل سنی الموالید، کتاب الکدخداء و کتاب الهیلاج.^{۲۱}

یکی از منجمان قرن سوم و چهارم که ابوریحان بیرونی و ابن خلدون آثار او را ستوده‌اند ابوعبدالله محمد بن جابر بن سنان بن ثابت، معروف به بتّانی حرّانی (م ۳۱۷ق) ریاضیدان و منجم برجسته‌ای است که نزد منجمان اسلامی اعتبار زیادی دارد؛ چنانکه ابوریحان بیرونی کتابی به نام جلاء الاذهان فی زیج البتّانی دارد و ابن خلدون آثار بتّانی را در ردیف بهترین کتاب‌های نجومی می‌داند. مهم‌ترین اثر بتّانی زیج اوست که به زیج صابی معروف است. بتّانی در این کتاب پاره‌ای از اشتباهات بطلمیوس را اصلاح کرده است. نتایج رصدهای بتّانی را گوشیار گیلانی در زیج جامع، علی بن احمد نسوی در زیج فاخر، ابورشید دانشی در زیج کامل و ابن کمداد در زیج مقتبس به کار برده‌اند. آثار دیگر بتّانی عبارتند از: معرفة البروج فی ما بین ارباع الفلك، اربع مقالات فی احکام التجوم.^{۲۲} از دیگر آثار نجومی نیمه اول سده چهارم هجری می‌توان به این موارد اشاره کرد: کتاب زیج کبیر، کتاب زیج صغیر، کتاب البراهین و کتاب احداث الجو، از ابوالعبّاس فضل بن حاتم نیریزی (م ۳۱۰ق) که کتاب اخیر به نام معتضد عباسی به نگارش درآمده است، جوامع احکام الکسوفین و قران الکوکبین زحل و مشتری و زیج الطلیسان، زیج البدیع، زیج سند هند، زیج الممرات، زیج المسافر، زیج الخالص، زیج المزمر، و زیج المریخ از عبدالله بن ماجور یا اماجور از مردم فرغانه

(م ۳۱۱ ق)، المغنی من النجوم فی احکام النجوم از ابوعلی بن هبنتی قنایی (م ۳۳۰ ق)، زیج یمانی و احکام قرانات النجوم از حسن همدانی (م ۳۳۴ ق)، کتاب المدخل فی علم احکام الفلکیه و کتاب المدخل فی علم النجوم از علی بن احمد بلخی.^{۲۳}

دو تن از منجمان بزرگ قرن چهارم هجری که ابن فندق در جوامع احکام النجوم بارها از آنها یاد کرده یکی گوشیار گیلانی (م ۳۵۰ ق) است که از آثار او در زمینه نجوم می توان به این عنوان ها اشاره کرد: زیج جامع، زیج بالغ، مجمل الاصول (مجمل فی صناعة النجوم)، المدخل فی صناعة علم النجوم، معرفة الاسطrolاب و عمله، و دیگری غلام زحل (م ۳۷۶ هـ). ابوالقاسم عبدالله بن حسن بغدادی که در زمان عضد الدوله در شیراز خدمت می کرد و صاحب این کتاب هاست: احکام النجوم، التسیرات و الشعاعات، الاختیارات، الجامع الكبير و الاصول المجردة. علاوه بر کتاب های فوق، ابن ندیم دو اثر به نام رساله فی التنجیم و القرانات را به گوشیار و کتابی به اسم الانفصالات را به غلام زحل نسبت داده است.^{۲۴}

در دوره دیلمیان نیز کتاب هایی در زمینه نجوم و احکام نجومی نوشته شد. ابوحسین عبدالرحمان بن عمر بن سهل (م ۲۹۱-۳۷۶ ق) منجم عضد الدوله بود و الکواکب الثابتة، مطارج الشعاعات و ارجوزة فی الفلك از آثار اوست. ابومحمود حامد بن خضر خجندی (م ۳۹۰ ق) معاصر فخرالدوله دیلمی، آلت رصدی به نام فخرالدوله ساخت و آن را سدس فخری نامید. وی را مبتکر آلت نجومی به نام الآلة الشاملة می دانند.^{۲۵} از دیگر مؤلفان آثار نجومی در اواخر سده چهارم هجری می توان به این افراد اشاره کرد: عمر بن محمد مرو رودی از اهالی مرو رود در ترکمنستان کنونی و مؤلف کتاب های تعدیل الکواکب و صناعة الاسطrolاب المسطح؛ ابوالقاسم اصبع بن محمد بن اصبع غرناطی معروف به ابن سمح (۳۷۰-۴۲۶ ق) که در قرطبه زاده شد و کتاب الزیج خود را بر اساس روش سند هند تدوین کرد؛ محمد بن عبدالله بن سمعان از شاگردان ابومعشر بلخی و صاحب کتابی به نام المدخل الی علم صناعة النجوم؛ ابوزکریا محبوب بن عمرو معروف به ابن صلت صاحب کتاب الاحتجاج فی صحتة النجوم و الاحکام فیها؛ عبدالله بن علی الدندانی صاحب کتاب

صناعة التنجيم؛ ابوالحسن علی المصيصی، صاحب کتاب القرانات و محمد بن جهم المنطقی که کتابی به نام الاختیارات التجومیة دارد.^{۲۶}

یکی دیگر از مؤلفان مهم آثار نجومی در اواخر سده چهارم هجری که یاقوت حموی از وی نام برده ابوالحسن علی بن ابی الرجال الکاتب، صاحب کتاب البارع فی احکام التجوم است. این کتاب هشت باب دارد که سه باب نخست در اختیارات، سه باب دوم در موالید، باب هفتم در تحویل سنین و باب هشتم در تنجیم عمومی است. وی در این کتاب نظرات ستاره‌شناسان هندی را با نظر دوروتوس یونانی مقایسه می‌کند و از جمله تفاوت‌هایی که در این دو نظر ذکر می‌کند این است که دوروتوس برای قمر ۲۸ منزل برمی‌شمارد در حالی که هندیان منازل قمر را ۲۷ منزل می‌دانند. اثر دیگر این نویسنده، الارجوزة فی احکام الفلکیة است.^{۲۷}

در این دوره برخی از نویسندگان علاوه بر تألیف کتاب‌های نجومی، کتاب‌هایی را در دفاع از احکام نجومی و ردّ مخالفان نوشته‌اند؛ ابوالصفر عبدالعزیز بن عثمان قیسی (م ۳۸۰ق) از منجمان معاصر ابن ندیم کتابی دارد با عنوان رسالة فی نقض رسالة عیسی بن علی فی ابطال احکام التجوم که آن را در دفاع از احکام نجومی و در ردّ کتاب عیسی بن علی تألیف کرده است؛ آثار دیگر وی عبارتند از: کتاب المدخل یا المسائل و الاختیارات، المدخل الی علم التجوم و امتحان المنجمین؛ وی اثر اخیر را به سیف الدّوله حمدانی تقدیم کرده است. در دولت فاطمیان مصر نیز نگارش کتاب‌های مربوط به نجوم و احکام نجومی رایج بود. یکی از آنها کتاب الزّیج الکبیر الحاکمی است که ابوالحسن علی بن ابی سعید صفدی از دانشمندان بزرگ نجوم در مصر و معاصر فاطمیان مصر (م ۳۹۹ق) آن را در زمان الحاکم بامر الله نوشته است. در کتاب هدیه العارفین و نیز الذّریعه از دو دانشمند نجومی اواخر سده چهارم هجری با نسبت قمی سخن رفته که یکی ابونصر حسن بن علی قمی صاحب کتاب البارع الی احکام التجوم و دیگری نصر قمی است که از وی تنها کتاب المدخل الی علم التجوم باقی مانده است.^{۲۸}

نگارش کتاب‌های نجومی و احکام نجوم در قرن پنجم هم ادامه پیدا کرد. در این دوره مؤلفان بنام و مشهوری چون ابوسعید سجزی، ابونصر عراقی، ابوریحان بیرونی، شهردان بن ابی‌الخیر و ختّام پدید آمدند. ابوسعید احمد بن محمد بن عبد الجلیل سجزی (م ۴۱۵ق) از مهم‌ترین منجمان اوایل قرن پنجم هجری آثار متعددی در زمینه علم نجوم نگاشته که مهم‌ترین آنها عبارتند از: برهان الکفایه که خلاصه کتاب تحویل سنی الموالید ابومعشر بلخی است، الدلائل فی احکام التّجوم، کتاب جامع شاهی، رسالة الاختیارات، رسالة الاسعار، رسالة الاسطرلاب، کتاب الاوائل. ابونصر منصور بن عراق (م بین ۴۲۷ تا ۴۴۰ق) از منجمان ایرانی سده چهارم و پنجم هجری از آل عراق یا خوارزمشاهیان قدیم است. به او ۲۵ کتاب و رساله منسوب است و در برخی از آنها از جمله: رسالة فی براهین اعمال جداول التقویم فی زیج حبش الحاسب، رسالة فی البرهان علی عمل حبش فی مطالع السمّ فی زیجه، از زیج حبش حاسب پیروی کرده است. مهم‌ترین اثر ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۲ق) در زمینه نجوم کتاب التّفهیم لاوائل صناعة التّنجیم است که به خواش ریحانه دختر حسین خوارزمی نوشته و در این کتاب علاوه بر مبحث نجوم به مباحث دیگری از جمله هندسه، حساب، جبر و مقابله نیز پرداخته است. شهردان بن ابی‌الخیر (م اواخر سده پنجم ق) از نامدارترین منجمان سده پنجم هجری معاصر ختّام نیز اثر نجومی مهمی به نام روضة المنجمین دارد که به استاد خود علی بن احمد نسوی تقدیم کرده است.^{۲۹} از دیگر دانشمندان نجومی و صاحب تألیف در علم نجوم که در قرن ششم و هفتم به تألیف آثار نجومی و احکام نجومی پرداختند می‌توان به این افراد اشاره کرد: غیاث الدّین عمر بن ابراهیم (م بین ۵۱۵-۵۱۷ق) شاعر و دانشمند بزرگ ایرانی و یکی از مؤلفان زیج ملکشاهی؛ عبدالرحمان منصور خازنی (م ۵۵۰ق) معروف به زاهد که زیج سجزی را به نام ملکشاه سلجوقی تألیف کرد؛ ابن فندق بیهقی (۴۹۰-۵۶۹ق) که کتاب حاضر از تألیفات اوست؛ شمس الدّین محمد بن مسعود بخاری (م ۵۸۲ق) صاحب کتاب کفایة التّعلیم فی صناعة التّنجیم، ابن رشد اندلسی (م ۵۲۰-۵۹۵ق) مؤلف تلخیص اسماء العالم، تلخیص الآثار

العلویه، مقالة فی جوهر الفلک، مختصر المجسطی، ما یحتاج الیه من کتاب اقلیدس فی المجسطی، مقالة فی حركة الفلک؛ اثیر الدّین ابهری (م ۶۶۳ق) از شاگردان فخر رازی نویسنده کتاب های الزّیج الشّامل، الزّیج الاختیارات یا الزّیج الاثیری، الزّیج المقنن، الزّیج الملخص، و خواجه نصیر الدّین توسی دانشمند مشهور ایرانی و صاحب تألیف های متعدّد که برخی آثار او در زمینه نجوم و مسائل مربوط به آن عبارتند از: اختیارات التّجوم، تحریر مجسطی، زیج ایلخانی، زیج شاهی، کتاب الثّمرة، المختصر فی علم التّنجیم و معرفة التّقویم، المدخل الی علم النجوم.^{۳۰}

۲. شرح احوال ابوالحسن بیهقی

ظهيرالدّین ابوالحسن علی بن زید بن محمّد مشهور به ابن فندق و فرید خراسان، عالم، ادیب، متکلم، منجم، فقیه، شاعر و مورّخ قرن ششم هجری است. بیهقی در جوامع احکام التّجوم، نسب خود را این گونه بیان می کند:

«ابوالحسن علی بن ابی القاسم زید بن امیرک محمد بن علی الحسین بن ابی سلیمان

فندق بن ایوب بن الحسین احمد بن عبدالرحمن بن عبدالله بن عمر بن الحریر بن

عثمان بن ایوب بن خزیمه بن عمرو بن خزیمه بن ثابت ذی الشّهادتین».^{۳۱}

در مورد تاریخ تولد او اختلاف نظر وجود دارد. یاقوت حموی تاریخ ولادت بیهقی را به نقل از کتاب مشارب التجارب بیهقی، که اکنون موجود نیست، شعبان سال ۴۹۹ق. ذکر کرده و باعث شده که نویسندگان دیگری چون ذهبی، صفدی و زرکلی نیز به پیروی از او همین تاریخ را ذکر کنند،^{۳۲} اما بنا به نوشته خود بیهقی در تاریخ بیهق وی به هنگام کشته شدن فخرالملک وزیر در محرم سال ۵۰۰ق. کودکی بوده که به مکتب می رفته و آن تاریخ را به یاد داشته و بنابراین نظر یاقوت نمی تواند صحیح باشد.^{۳۳} مطلب دیگری که سال ۴۹۰ق. را تأیید می کند اینکه فصیح خوافی ذیل حوادث سال ۵۴۴ قمری بیهقی را ۵۴ ساله خوانده است.^{۳۴} فندقیان از خاندان های شهر سیوار از توابع والستان یا الستان بُست بودند که نسبشان را به

خزیمه بن ثابت انصاری از قبیله اوس مشهور به ذوالشهادتین می‌رساندند. برخی محققان بست را ناحیه مشهور در افغانستان کنونی می‌دانند و عده‌ای معتقدند که بست یا بشت در مجاورت بیهق است که از نواحی نیشابور شمرده می‌شد و مرکز آن ترشیز (کاشمر) بوده است. پدران بیهقی از سوی غزنویان و سلجوقیان مناصب مختلف دیوانی و قضاوت را در اختیار داشتند. فندق بن ایوب، نیای بزرگ بیهقی از سوی محمود غزنوی در نیشابور به منصب قضا گمارده شد و به این شهر مهاجرت کرد، اما بعد از مدت کوتاهی از این شغل استعفا خواست و در ده سرمستانه سکنی گزید. وی همچنین شخصی را به نیابت از خود در بیهق بر منصب قضا گماشت و مقام قضا در بسطام و دامغان را به دو پسر خویش سپرد. در باره شغل پدر بیهقی اطلاعات زیادی در دست نیست جز آنکه بیش از بیست سال در بخارا سکونت داشته و جدش شیخ الاسلام ابوسلیمان محمد بن حسین بن فندق خطیب و قاضی نیشابور بوده و در همانجا نیز درگذشته است. مادر بیهقی علاوه بر حفظ قرآن بر وجوه گوناگون تفسیر نیز آگاهی داشته است.^{۳۵}

بیهقی دانش‌های مهم زمان خود را فراگرفت؛ ادب عربی را در زادگاه خود آموخت. در نیشابور از استادانی چون احمد بن محمد میدانی نویسنده السامی فی الاسامی، ابوجعفر مقرئ امام جامع نیشابور و مؤلف ینابیع اللغه، امام محمد فزاری و امام حسن بن یعقوب بن احمد قاری، علم آموخت. ابراهیم بن احمد خراز و علی بن عبدالله بن هیصم نیشابوری استادان او در کلام بودند. پدر بیهقی در سال ۵۱۷ ق. وفات یافت و وی در سال ۵۱۸ ق. به مرو رفت و فقه را نزد ابوسعید یحیی بن عبدالملک آموخت. در سال ۵۲۱ در مدرسه ابی سعد و مسجد جامع مرو وعظ داشت. در همین سال پس از ازدواج در مرو به نیشابور و از آنجا به زادگاهش بیهق برگشت و مدت سه ماه در آنجا اقامت گزید. در سال ۵۲۶ از سوی شهاب‌الدین محمد بن مسعود والی ری که با بیهقی نسبت سببی یافته بود به مقام قضاوت بیهق رسید، اما مدتی بعد این شغل را رها کرد و عازم ری شد. وی در این شهر در زمینه ریاضیات، جبر، مقابله و احکام نجوم دانش اندوخت و تا یک سال بعد یعنی سال ۵۲۷ در آنجا ماند. پس از بازگشت به خراسان در حساب و جبر و مقابله نزد استادش عثمان بن

جادوکار دانش خود را تکمیل کرد و پس از خواندن کتاب‌هایی در احکام نجوم در این علم شهره گشت. در ۵۲۹ به بیهق بازگشت و در ۵۳۰ به سرخس نزد قطب الدین محمد مروزی مشهور به طبسی نصیری رفت و تا سال ۵۳۲ نزد او بود و از او حکمت و فلسفه فراگرفت. پس از دو سال بار دیگر به نیشابور بازگشت و تا سال ۵۳۶ در این شهر اقامت داشت. در نیشابور از اکرام طاهر بن فخر الملک و دیگر بزرگان شهر برخوردار بود و در روزهای خاصی از هفته در چند مسجد نیشابور مجلس وعظ تشکیل می‌داد.^{۳۶} وی در سال ۵۶۵ درگذشت^{۳۷} و در زادگاهش روستای ششتمد سبزوار به خاک سپرده شد. از جمله عالمان دیگری که بیهقی از محضر آنها علم آموخته می‌توان به این افراد اشاره کرد: پدرش زید بن محمد، حسن بن یعقوب بن احمد نیشابوری که در ریاضیات استاد بیهقی بود؛ اسماعیل بن ابی‌بکر بیهقی و ابوالغنائم حمزه حسینی و محمد بن فضل صاعدی، که در زمینه حدیث از آنها علم آموخت و نیز علی بن محمد حسینی ونکی. دانشمند اخیر دانش نسب‌شناسی را به بیهقی آموخت. بیهقی با دیگر دانشمندان مشهور عهد خود مانند عمر بن سهلان ساوی، مجد الافاضل عبدالرزاق ترکی، محمد بن عبدالکریم شهرستانی، اسماعیل بن حسن جرجانی پزشک، و ختام دیدار و ارتباط داشت.^{۳۸} در سال ۵۳۶ که بیهقی نزد سلطان سنجر بود دمتریوس پادشاه ابخاز (گرجستان) با ارسال نامه‌ای به دو زبان عربی و سریانی سؤالاتی در زمینه علوم مذهبی مطرح کرد و بیهقی به تقاضای سلطان سنجر این پرسشها را به همان دو زبان پاسخ گفت که نشان دهنده تسلط وی بر زبان سریانی است.^{۳۹}

در باب مذهب بیهقی نظرات مختلفی وجود دارد. عده‌ای او را شافعی و گروهی شیعه دانسته‌اند؛ از جمله دلایلی که برای شیعه بودن بیهقی ذکر شده است یکی آن است که بیهق از کهن‌ترین مراکز شیعی در ایران بوده است. عبدالجلیل رازی قزوینی (متوفی پس از سال ۵۸۵) مؤلف کتاب التقتض، بیهقی را با تعبیر «الشیخ الامام ابوالحسن الفرید» از بزرگان شیعه دانسته است.^{۴۰} ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق.) که کتاب معالم العلماء او فهرستی از آثار عالمان شیعی است، از ابوالحسن علی بن زید بیهقی با لقب فرید خراسان یاد کرده و سه کتاب او را نام برده است. البته نام حسین در سلسله نسب بیهقی در این منبع تصحیف

«حسن» است.^{۴۱} علاوه بر آن بیهقی در شماری از آثارش به ذکر فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السَّلام پرداخته که برخی از استادان او مانند رشید الدِّین رازی از متکلمان بزرگ شیعه بوده‌اند. در آثاری که اختصاصاً به شرح احوال و آثار عالمان حنفی یا شافعی تعلق دارد، شرح حال مستقلی از بیهقی دیده نمی‌شود. سعید نفیسی مهم‌ترین دلیل شیعه بودن بیهقی را ذکر همراه با تعریض خلیفه سوم در جوامع احکام التَّجْوُم می‌داند.^{۴۲} در این باره گفتنی است که از چهار نسخه‌ای که در تصحیح کتاب حاضر مورد بررسی و مقابله قرار گرفته در مواردی که به طالع خلیفه سوم و حضرت علی^(ع) اشاره شده نسخه‌ها تفاوت چشمگیری دارند و مشخص است که کاتب یکی شیعه و کاتب دیگری سنی بوده است؛ از جمله در یکی از نسخه‌ها پس از نام حضرت علی^(ع) چند سطر مناقب آن حضرت بیان شده و در نسخه دیگر پس از نام خلیفه سوم عبارت رضی الله عنه قید گردیده است. بنابراین در مورد مذهب بیهقی استناد به این اثر چندان راهگشا به نظر نمی‌رسد مگر اینکه بتوان در باره اصالت یکی از نسخه‌ها به یقین قطعی رسید که از دخل و تصرف کاتبان به دور مانده باشد. با این همه برخی از محققان ادله دیگری را برای دور نگه داشتن بیهقی از تعلق به تشیع ذکر کرده‌اند؛ از جمله اینکه بیهقی در مقدمه یکی از آثار خود خلفای نخستین پس از پیامبر را با القاب آنها ستایش کرده است.^{۴۳} همچنین ابن صلاح و فصیح خوافی، بیهقی را حنفی دانسته‌اند و حاجی خلیفه و به پیروی از وی بغدادی، بیهقی را شافعی خوانده‌اند. جالب توجه است که ۲۴ جلد از آثار مهم بیهقی در اواخر قرن هفتم هجری در کتابخانه‌های شهر حلب، که محیطی شیعی داشت، موجود بوده است. از نوشته‌های بیهقی چنین بر می‌آید که نیاکان او با عباسیان و دربار غزنویان و سلجوقیان پیوند داشته و با خواست آنان به پایگاه بلندی رسیده و با دانشمندان سنی آشنا بوده‌اند و خود وی کتاب‌های علمی و ادبی را نزد استادان سنی خوانده است. با اینکه بیهقی در لباب الانساب و تاریخ بیهق از سادات به بزرگی یاد کرده اما نشانه‌ای دال بر شیعه بودن بیهقی در این دو اثر وجود ندارد.

۳. آثار بیهقی

بیهقی در علوم مختلف زمان خویش مهارت داشته و این موضوع را از آثار متعددی می‌توان دریافت که در زمینه‌های مختلف از جمله تاریخ، نجوم، حکمت، ادب، حدیث، فقه، کلام و... تألیف کرده است. یاقوت حموی در کتاب معجم الادبا به نقل از کتاب مشارب التجارب بیهقی هفتاد و دو اثر از آثار وی را نام می‌برد که متأسفانه از بیشتر آنها تنها نامی برجای مانده است.

۳-۱. آثار منتشر شده

تاریخ بیهق^{۲۴}

نویسنده در این کتاب شرح حال رجال علم و ادب بیهق و نسب‌شناسی خاندان‌های این ناحیه را با نثری ساده و روان بیان می‌کند. در این کتاب اطلاعات ارزشمندی در باب خاندان‌هایی که در خراسان حکومت کرده‌اند مانند طاهریان، سامانیان، غزنویان و سلجوقیان وجود دارد. همانگونه که مقدمه کتاب ادیبانه و همراه با اشعار فارسی و عربی است، قسمت پایانی کتاب با عنوان خاتمة الکتاب آراسته به آیات و احادیث و اشعار مرتبط با زهد و تقوا است. این کتاب علاوه بر ارزش ادبی و تاریخی از جنبه اطلاعات جغرافیایی هم بسیار ارزشمند است

به طور کلی می‌توان ویژگی‌های تاریخ بیهق را به صورت زیر بیان کرد:

- نسب‌شناسی و توجه به علم انساب در معرفی خاندان‌های بزرگ بیهق با توجه به اینکه خود بیهقی کتابی به نام لباب الانساب دارد و از این دانش بهره‌مند است.
- ذکر خاندان‌هایی که از بیهق مهاجرت کرده‌اند و خاندان‌هایی که از دیگر سرزمین‌ها به بیهق آمده و در آنجا اقامت گزیده‌اند که از جمله آنها مهاجرت خاندان‌های سادات از نیشابور به بیهق است.
- اشاره به اختلافات مذهبی و اعتقادی در این منطقه که گاه همراه با درگیری و خونریزی بوده است.

- معرفی برخی از کتاب‌هایی که در زمینه تاریخ یک منطقه خاص نوشته شده و تاریخ بیهق هم به نوعی از جنس همان آثار است از جمله تاریخ بغداد، تاریخ مرو، تاریخ هرات، تاریخ خوارزم، تاریخ بیهق، تاریخ نیشابور.

- توصیف دقیق ویژگی‌های جغرافیایی بیهق و نواحی پیرامون آن.

تتمه صوان الحکمه

تتمه صوان الحکمه یا تاریخ حکماء اسلام، تتمه و ذیلی است به زبان عربی بر صوان الحکمه ابوسلیمان محمد بن طاهر سجستانی (م ۳۹۱)، مشتمل بر زیست‌نامه و شرح حال صد و یازده تن از علما و اندیشمندان بزرگ در علوم مختلف از قبیل فلسفه، ریاضی، طب، ادبیات و... هدف از نگارش این کتاب جمع گفته‌ها و شرح زندگی حکما و فلاسفه شرق از جمله خراسان و ماوراء النهر و پیرامون آن بوده است و اطلاعات تاریخی آن در بسیاری موارد در دیگر منابع یافت نمی‌شود. نویسنده در این کتاب تنها به معرفی اجمالی اکتفا نموده و برخی از تألیفات آنان را بر شمرده است.^{۴۵}

لباب الانساب

لباب الانساب کتابی است به عربی در دو جلد در باب انساب سادات که در مقدمه آن، بیهقی به کتاب دیگرش در این زمینه یعنی التعریف بالانساب اشاره می‌کند.^{۴۶}

معارج نهج البلاغه

این کتاب در سال ۵۵۲ق. به زبان عربی تألیف شده و بیهقی در این کتاب از شاعرانی همچون امرؤ القیس، اخطل، جریر، اعشى، زهیر بن ابی سلمی، نابغه ذبیانی و نابغه جعدی نام برده است. به گفته آقا بزرگ تهرانی شرح بیهقی نخستین شرح کامل نهج البلاغه است.^{۴۷}

۲-۳. آثاری که به صورت نسخه خطی باقی مانده‌اند

- ازاهیر الریاض المریعة و تفسیر الفاظ المحاوره و الشریعة^{۴۸}. (کتابی است در امثال به زبان عربی)

- ایضاح البراهین^{۴۹} (در اصول)

- جوامع احکام التجوم^{۵۰}

- طرائق الوسائل الى حدائق الرسائل^{۵۱}

(یک جلد است به زبان فارسی و آن را به صورت حدائق الوسائل الى طرائق الرسائل هم آورده‌اند. مؤلف هدایة العارفين آن را دو کتاب دانسته است)

- غرر الامثال و درر الاقوال

(دو مجلد در امثال عرب که بر اساس الفبا مرتب شده، جلد اول آن تا حرف ط را در بر می‌گیرد. این اثر به یمن الدوله مجد الدین ابی علی احمد بن اسماعیل تقدیم شده است. یاقوت این اثر را با نام غرر الامثال معرفی کرده است^{۵۲}).

- وشاح دمية القصر و لقاح روضة العصر^{۵۳}

(ذیلی است بر کتاب دمية القصر فی شعراء العصر از باخرزی متوفی ۴۷۴ق. که بیهقی در آغاز جمادی الاخر سال ۵۲۸ق. نگارش آن را آغاز کرده است. یاقوت تنها قسمت اول نام کتاب را ذکر کرده است).

۳-۳. آثار منتسب به بیهقی که نشانی از آنها وجود ندارد

احکام القرائات^{۵۴}؛ آداب السفر^{۵۵} (در هدیه العارفين به صورت آداب الشعر آمده است) ازهار اشجار الاشعار^{۵۶}؛ الاراحة من شدائد المساحة^{۵۷}؛ اسامی الادویة و خواصها و منافعها^{۵۸} (از این اثر با نام‌های تفاسیر العقاقیر و نیز تعلیقات فصول بقراط نام برده شده است)؛ اسرار الاعتذار^{۵۹}؛ اسرار الحکم^{۶۰}؛ اسئلة القرآن مع الاجوبة^{۶۱}؛ اصول الفقه^{۶۲}؛ اطعمة المرضى^{۶۳}؛ اظهار الازهار علی اشجار الاسرار^{۶۴} (بیهقی در غرر الامثال به آن اشاره کرده است)؛ الاعتبار بالاقبال والادبار^{۶۵}؛ اعجاز القرآن^{۶۶}؛ الافادة فی اثبات الحشر و الاعادة^{۶۷}؛ الافادة فی کلمة الشهادة^{۶۸}؛ الامانات فی شرح الاشارات^{۶۹}؛ امثلة الاعمال التجومية^{۷۰}؛ الانتصار من الاشرار^{۷۱}

(که مؤلف هدیة العارفين آن را الانتصار على الاشرار دانسته است)؛ بساتين الانس و دساتين الحدس في براهين النفس^{۷۲}؛ البلاغة الخفية^{۷۳}؛ التحرير في التذكير (که دو مجلد است)؛ تحفة السادة^{۷۴} (که منشآت بیهقی است)؛ تفضیل التطفیل علی لسان طفیل؛ العرائس^{۷۵}؛ تلخیص مسائل الذریعة^{۷۶} (در این اثر مؤلف، کتاب الذریعة فی اصول الفقه شریف مرتضی را خلاصه کرده است. تنها ابن شهر آشوب در معالم العلماء این اثر را به بیهقی نسبت داده است، اما نه در معجم الادبا به این کتاب اشاره شده است و نه در هدیة العارفين)؛ تنبيه العلماء على تمويه المتشبهين بالعلماء^{۷۷}؛ جلاء صدا الشک^{۷۸}؛ حصص الاصفیاء فی قصص الانبياء على طريق البلغاء^{۷۹} (دو مجلد به زبان فارسی)؛ خلاصة الزیجات^{۸۰} (در جوامع احكام النجوم مؤلف به این کتاب اشاره کرده است)؛ درة الوشاح^{۸۱} (یک مجلد کوچک که مؤلف آن را به عنوان تتمه ای بر کتاب وشاح دمیة القصر نوشته است و در تتمه صوان الحکمه هم به آن اشاره کرده است)؛ درر السحاب و درر السحاب^{۸۲} (در رسائل است)؛ ذخائر الحکم^{۸۳}؛ ربیع العارفين^{۸۴}؛ الرسائل^{۸۵} (به فارسی نوشته است)؛ رسائل المتفرقة^{۸۶}؛ رسائل و مختصرات كثيرة^{۸۷}؛ رسالة العطرة فی مدح بنی الزبارة^{۸۸}؛ رسالة فی الكیسة^{۸۹}؛ رقیات التشبیهات علی خفایا المختلطات بالجدول^{۹۰} (در معجم الادبا و در هدیة العارفين، به جای «رقیات»، «قضایا» آمده است)؛ ریاحین العقول^{۹۱}؛ شرح الحماسة^{۹۲}؛ شرح رسالة الطیر^{۹۳} (یاقوت نام این اثر را به صورت شرح رسالة الطر آورده است)؛ شرح شعر البحتری و ابی تمام^{۹۴}؛ شرح شهاب الاخبار^{۹۵}؛ شرح مشکلات المقامات الحریریة^{۹۶}؛ شرح الموجز المعجز^{۹۷}؛ عرائس التفانس^{۹۸} (بیهقی در معارج نهج البلاغة و تتمه صوان الحکمه به آن اشاره کرده است)؛ عقود اللالی^{۹۹}؛ عقود المضاحک^{۱۰۰}؛ فی الحساب^{۱۰۱}؛ غرر الاقیسة^{۱۰۲}؛ قرآن آیات القرآن^{۱۰۳}؛ قوام علوم الطب^{۱۰۴}؛ السّموم^{۱۰۵}؛ العروض^{۱۰۶}؛ الفرائض بالجدول^{۱۰۷}؛ کتاب اشعار^{۱۰۸}؛ کنز الحجج^{۱۰۹} (در علم اصول)؛ مجامع الامثال و بدایع الاقوال^{۱۱۰} (چهار مجلد)؛ المختصر من الفرائض^{۱۱۱} (به صورت المختصر فی الفرائض هم ذکر شده است)؛ موامرات الاعمال

النجومية^{۱۱۲}؛ مشارب التجارب و غوارب الغرائب^{۱۱۳} (چهار مجلد در تاریخ غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان و ذیلی است بر تاریخ یمینی. این اثر تاریخ سال‌های ۴۱۰ تا ۵۶۰ ق. را در بر می‌گیرد. از آنجا که حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده به این کتاب اشاره کرده است بنابراین این اثر تا نیمه قرن هشتم موجود بوده است)؛ المشتهر فی نقض المعتر^{۱۱۴} (این کتاب را بیهقی در رد کتاب حکیم ابوالبرکات هبة الله بن علی بن ملکا طیب یهودی متوفی سال ۵۴۷ق - از معاصرین بیهقی است - نوشته و شرح حال این ابن ملکا را در تتمه صوان الحکمه هم آورده است)؛ معالجات الاعتباری^{۱۱۵}؛ معرفة ذات الحلق و الكرة و الاضطراب^{۱۱۶}؛ ملح البلاغة^{۱۱۷}؛ مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجات^{۱۱۸} (سه مجلد در شرح کتاب نجات ابن سینا در فلسفه)؛ المواهب الشریفة فی مناقب ابی حنیفه^{۱۱۹}؛ نار الجباحب^{۱۲۰}؛ نصاب الکبری^{۱۲۱} (به فارسی)؛ نهج الرشد^{۱۲۲} (در علم اصول)؛ وسائل الالمعی فی فضایل اصحاب الشافعی^{۱۲۳} و الوقیعة فی منکر الشریعة^{۱۲۴}.

به نظر می‌رسد بیهقی در ابتدای هریک از آثارش به تألیفات پیشینش اشاره دارد و به همین دلیل است که در کتاب‌های باقی‌مانده از وی تعداد آثاری که از خود نام می‌برد، متفاوت است. با توجه به اینکه در جوامع احکام النجوم، بیهقی تنها به بیست و هفت اثر خود اشاره می‌کند می‌توان نتیجه گرفت که تألیف جوامع احکام النجوم نسبت به تعداد زیادی از آثار بیهقی تقدّم زمانی دارد.

۳-۴. جوامع احکام النجوم

جوامع احکام النجوم یکی از کتاب‌های ارزشمند در زمینه احکام نجومی در قرن ششم هجری و از معدود آثار برجای مانده از بیهقی است. نثر کتاب ساده و مرسل است، اما از اصطلاحات و کلمات دشوار هم خالی نیست. علاوه بر این کتاب چند اثر دیگر هم از بیهقی در زمینه نجوم و احکام نجومی وجود داشته که از میان رفته است از جمله: امثلة الاعمال النجومیة، موامرات الاعمال النجومیة، معرفة ذات الحلق و الكرة و الاضطراب، ذخایر

الحکم، عرایس النفایس، و احکام القرائات. یاقوت حموی در معجم الادبا به نقل از مشارب التجارب کتاب جوامع الاحکام را سه جلد معرفی کرده و اشاره‌ای هم به فارسی بودن آن نکرده است حال آن که در بقیه موارد به فارسی بودن کتاب‌ها اشاره شده است. نکته دیگر اینکه همه فصول کتاب از ابتدا تا انتها در همه نسخه‌های موجود در یک جلد و یک مجلد است و در هیچ جای کتاب به چند جلد بودن آن اشاره نشده است. همچنین در کتاب معجم الادباء از این اثر با عنوان جوامع الاحکام یاد شده است؛ بنابراین با توجه به مطالب بالا می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که شاید بیهقی علاوه بر جوامع احکام التَّجُوم، کتابی سه جلدی با نام جوامع الاحکام به عربی داشته است.

از آنجا که بیهقی بیشتر قائل به برهان و منطق است و به استعدادات و امکانات نظر دارد، به احکامیان دو توصیه می‌کند: یکی اینکه هرچه درباره آینده می‌گویند بر طریق امکان بگویند و نه به صورت حکم قطعی، و دیگر اینکه احکام را به صورت اجمال بگویند و دعوی دانستن تفصیل نکنند. او علت آن را چنین توضیح می‌دهد:

«وصیت من درین باب آن است که در مستقبل بر طریق امکان گوید هرچه ازین احکام گوید دعوی دانستن اسباب به تفصیل نکند چه در ممکنات مستقبل صدق و کذب متعین نشود... و بدین امکان آن وقت حکم کند که زیادت از یک دلیل و امارات بیند و جزم آن بود که تا سه امارت، او را حاصل نشود هم برین گونه ممکن در مستقبل حکم نباید کرد و به امکان قریب و کارها باشد که آن را به استعداد حاجت افتد؛ مثلاً حکم فرزند آن وقت ممکن بود که مرد، جوان و تن درست بود و متأهل... پس در امثال این احکام از استعداد و اوتاد غافل نباید بود و وقتی که احکام کند نگاه دارد منجم تا در آن وقت عطارد منحوس نبود و مریخ در طالع و اوتاد آن وقت نبود و قمر در بیوت مریخ نبود که اگر چنین بود فاحش خطاها افتد.»^{۱۲۵}

در این مورد مؤلف مشاهده خود را بیان کرده است و در فصل اول می‌گوید:

«از عجایی که من درین باب دیدم اسبی از آن امیری کراهی آورد ارتفاع آن وقت بگرفتند و به دست منجمی صورت دادند و گفتند امیر را پسری آمده است و

این ارتفاع وقت ولادت است و آن منجم بی چاره عمرها در آن صرف کرد تا آنچه دانست از اعمال و احکام در آن طالع به جای آورد آن ضحکه‌ای گشت پس نباید ازین معنی غافل بود.»^{۱۲۶}

جوامع احکام التّجوم در ده فصل تدوین شده که به ترتیب عبارت است از:
فصل اول: دانستن نوع مولود که انسان است یا غیر آن.

فصل دوم: در آنکه مولود تمام خلقت است یا ناقص خلقت و در دلایل تربیت کودک.
فصل سوم: در مسقط نطفه و احکام ماه‌های آن.

فصل چهارم: در احکام هیلاج و کدخدایی و قانون عمر.

فصل پنجم: در احکام دوازده خانه از طالع.

فصل ششم: در بودن کواکب در بیوت و حدود و وجوه مثلثات.

فصل هفتم: در احکام سهام طالع و دلایل.

فصل هشتم: در احکام اثنا عشریات و آبار بروج و احکام نظر کواکب به یکدیگر در وقت ولادت و احکام رأس و ذنب.

فصل نهم: در احکام تحویل و انتهای صاحب طالع و باقی دلایل تحویل.

فصل دهم، در احکام سال‌های عالم بر طریق جمله و بر اختیارات جزوی و کلی کارها و در احکام‌های سال‌های عالم.

بر اساس نظر همایی در مقدمه التفهیم، در نگارش کتاب‌هایی با زمینه علوم ریاضی، هیئت و نجوم به فارسی، علاوه بر جنبه علمی، احیای زبان فارسی نیز مورد نظر نویسندگان آنها بوده است.^{۱۲۷}

۴. تحلیل محتوایی کتاب

قرن پنجم و ششم از حیث نثر فارسی یکی از ادوار بسیار مهم ادبی است. در این دو قرن نه تنها نثر فارسی دنباله پیشرفت‌های قرن چهارم را طی کرد بلکه به مراتب بیش از شعر ترقی و تحوّل یافت و آثار مختلف در آن پدید آمد، چنانکه از حیث تنوع و تعدد آثار منشور با